

## ازدواج از دیدگاه خدا

زیرا خداوند می گوید: «فکر هایی را که برای شما دارم می دانم که فکر های سلامتی می باشد و نه بدی تا شما را در آخرت امید بخشم. و مرا خواهید خواند و آمده، نزد من تضرع خواهید کرد و من شما را اجابت خواهم نمود. و مرا خواهید طلبید و چون مرا به تمامی دل خود جستجو نمایید، مرا خواهید یافت.  
(ارمیا ۲۹: ۱۱ - ۱۳)

اگر بخواهیم ازدواج را از دیدگاه خدا بشناسیم، باید ابتدا خود خدا را بشناسیم. راجع به خدا می توان کتاب های بسیاری نوشت، اما اینجا تا جایی که امکان دارد، و بدون نادیده گرفتن آنچه مربوط به ازدواج از دیدگاه خدا می شود، مختصر صحبت خواهم کرد. خدا خود را به شکل خدای پدر، خدای پسر، و خدای روح القدس معرفی کرده است. این شناخت برداشتی نیست که انسان با عقل و منطق خود بدست آورده، بلکه خدا خود آن را به انسان مکتشف کرده. این موضوع بسیار مهمی است، چون ادیان این دنیا بسیارند و همه فرآورده عقل و منطق انسانند. اما عقل و منطق خدا با انسان تفاوت بسیار دارد.

### اشعیا ۵۵

۸: زیرا خداوند می گوید که افکار من افکار شما نیست و طریق های شما طریق های من نی.

ادیان این دنیا را می توان تلاش های مختلف انسان برای شناخت خدا نام برد. ولی خدای حقیقی خود را از طریق روح القدس به انسان معرفی کرده. کتاب مقدس مکاشفه خدا است برای کسانی که طالب او هستند و می خواهند به او توکل کنند. کسانی که ادیان گوناگون دنیا را پی روی می کنند از این حقیقت محرومند. خدای آن ها با خدای کتاب مقدس یکی نیست. نام خدا را نباید به باطل برد. خدای حقیقی یک چیز را به کسی نمی گوید، و چیز دیگری را به کس دیگر. خدای حقیقی دورو نیست.

باید طالب خدای حقیقی بود تا او وارد دل شده و موجودیت خود را افشا کند. مسئله با خود شخص نیست، بلکه شیطان است که در او است. شیطان انسان را از خدا دور کرده و زندگی جهنمی خود را بر او تحمیل کرده. بسیاری می پرسند اگر خدا انسان را دوست دارد و قدرتش بی نهایت می باشد، چرا شیطان را از انسان دور نمی کند؟ چون خدا با زور عمل نمی کند. شیطان است که با زور انسان را از خدا دور نگاه داشته. طبیعت خدا کامل است و نیازی به زور ندارد. شیطان است که تنها با زور و حيله توانائی حفظ منافع خود را دارد.

اما امید باقی است، و هر که طالب خدا باشد، او وارد دل شده و حقانیت خود را با او شریک خواهد شد.

### یوحنا ۱۰

۹: من "در" هستم؛ هر که از راه من داخل شود نجات خواهد یافت، و آزادانه به درون خواهد آمد و بیرون خواهد رفت و چراگاه خواهد یافت.

تا به حال بسیاری بوده اند که با وجود مخالفت شیطان، خدای حقیقی را شناخته و با او زندگی کرده اند.

### عبرانیان ۱۱

۱: ایمان، اطمینان بر چیزهایی است که بدان امید داریم و یقین به آنچه هنوز نمی بینیم.  
۲: به سبب ایمان بود که درباره نیاکان ما به نیکویی شهادت داده شد.



۷: با ایمان بود که نوح هنگامی که از جانب خدا درباره اموری که تا آن زمان دیده نشده بود هشدار یافت، آن را با خدا ترسی به جد گرفت و برای نجات خانواده خویش کشتی ساخت. او با ایمان خود دنیا را محکوم کرد و وارث آن پارسایی شد که بر ایمان استوار است.  
۸: با ایمان بود که ابراهیم هنگامی که فراخوانده شد، اطاعت کرد و حاضر شد به جایی رود که بعدها به میراث می یافت؛ و هر چند نمی دانست کجا می رود، روانه شد.

مسیحیان کسانی هستند که با وجود مخالفت شیطان، خدای حقیقی را یافته و فرزندان او شده اند. مسیحی نام دین نیست بلکه نامی است که غیر مسیحیان به شاگردان عیسی مسیح دادند، "در انطاکیه بود که شاگردان را نخستین بار «مسیحی» خواندند (اعمال ۱۱: ۲۶). مسیحیان خود را ایماندار به خدا می نامند.

ایمان به خدا یعنی پیروزی از او، و خدا این راه را از طریق کلامش برای آنانی که به او روی آورده اند، نشان داده. خدا از طریق کلامش خصوصیات خود را به ما مکشوف کرده.

### خصوصیات خدا

در دنیا تنها دو نوع راه زندگی وجود دارد. یکی راه خدا است که شامل خصوصیات او است، و دیگری راه انسان (شیطان) که خصوصیات خود را دارد. خدا با شیطان همراه نمی شود و خصوصیتی که دارد در او نهفته است. اما بسیاری از خصوصیات خدا را شیطان دزدیده (البته تنها نام و شکل ظاهر آن ها را، چون اصل خصوصیات خدا را نمی توان دزدید) و ظاهراً مال خود کرده. بی ایمانان دنیا نیز صحبت از محبت، صبر، فروتنی، عدالت، و سایر خصوصیات که متعلق به خدا است می کنند و آن ها را در وجود خود نیز می شمارند. اما ایمانداران می دانند که این جز فریب کاری و لعنت چیز دیگری نیست. حتی نام خدا را دزدیده اند! به همین دلیل ایمانداران خدای "قدوس" را به زبان می آورند تا اشتباهاً خدای بی گانه را خطاب نکرده باشند. ایمانداران باید آنچه از خدا است و آلت دست شیطان شده را در جای خود بنشانند. در جایی که محبت دنیوی وجود انسان را فرا گرفته، نمی توان صحبت از محبت خدا کرد و انتظار داشت مفهوم قدوس خود را به درستی آشکار کند. خدای قدوس خود نام کسانی که مطعلق به او شدند را تغییر داد تا شخص جدید با شخص قدیم اشتباه نشود. من راجع به خصوصیات خدای قدوس در جای دیگر صحبت خواهم کرد، و اینجا تنها راجع به نسبتی که با ازدواج دارد خواهم پرداخت.

## زندگی زناشویی نهادی ربانی است

زندگی زناشویی مسیحی با آنچه در دنیا رواج دارد تفاوت بسیار دارد، و به همین خاطر دوام و خوشبختی آن نیز به مراتب بیشتر از ازواج های دنیوی است. زندگی زناشویی مسیحی بر اساس موازین کلام خدای قدوس (از این پس خدا نام خواهیم برد) استوار می باشد و بر طبق آن نیز پیش می رود.

اساس ازدواج میان مرد و زن را ابتدا خدا بنا ساخت، و اولین ازدواج را نیز او در باغ عدن برگزار نمود.

### پیدایش ۲

۱۸: و خداوند خدا گفت: «خوب نیست که آدم تنها باشد. پس برایش معاونی موافق وی بسازیم

منظور خدا از بنای ازدواج میان زن و مرد این نیست که به خواست و نیاز های طرفین رسیدگی کند و اهداف آن ها را به جای آورد. البته مزایای جانبی ایجاد خواست خدا در زندگی بسیارند و بقدری با ارزش و با نفوذند که ممکن است توجه ایماندار را از اصل موضوع دور نمایند. اصل موضوع ازدواج مسیحی فراهم ساختن یار زندگی ("معاونی موافق وی") برای شوهر است تا امکان اجرای خواست خدا در زندگی هر دو ادامه یابد:

### پیدایش ۱

۲۸: و خدا ایشان را برکت داد و خدا بدیشان گفت: «بارور و کثیر شوید و زمین را پر سازید و در آن تسلط نمایید، و بر ماهیان دریا و پرندگان آسمان و همه حیواناتی که بر زمین می خزند، حکومت کنید».

خواست خدا را بطور کامل در انجیل مرقس مشاهده می کنیم:

### مرقس ۱۲

۳۰: خدا خدای خود را با تمامی دل و با تمامی جان و با تمامی فکر و با تمامی قوت خود محبت نما.

(خط کشی زیر از من است)

اصل موضوع زندگی "محبت به خدا" است، و نتیجتاً ازدواج نیز چنین اصلی را دنبال می نماید. اگر اصل موضوع ازدواج از جانب زن و شوهر نادیده گرفته شود، هدف اصلی آن نیز نادیده گرفته خواهد شد، و نهایتاً شیطان است که در زندگی پیروز شده و در دسر های معمول را ایجاد خواهد کرد.

**منظور خدا از ازدواج زن و مرد  
فراهم ساختن یار زندگی است  
تا امکان اجرای خواست خدا  
در زندگی آن دو  
ادامه یابد**

خواست شیطان برای انسان عکس خواست خدا است و انسان را وسوسه به خودبینی و خودخواهی می کند تا به این شکل او را از آنچه منظور و مقصود از آفرینش او بود، دور کند. عیسی مسیح نیز به همین خاطر است که جلال خود را ترک کرده بر زمین نزول فرمود:

### یوحنا ۱۱

۲۵: عیسی گفت: «قیامت و حیات مَم. آن که به من ایمان آورد، حتی اگر بمیرد، باز زنده خواهد شد.

عیسی مسیح است که راه خدا شناسی و خدا گانگی را برای انسان هموار کرده است. بدون پذیرش بهای خون عیسی مسیح بعنوان کفاره گناهان، و قبول کردن او بعنوان منجی و خدای خود، دست رسی به خدای حقیقی و زندگی بهشتی غیر ممکن است. ازدواج هایی که بر مبنی و اصول کلام خدا استوار نباشند، محکوم به شکستند، حتی اگر زن و شوهر خوش، سلامت، و تا آخر عمر کنار هم مانده باشند. چون مقصود ازدواج ایجاد خواست خدا است، و نه خواست انسان. خدا انسان را برای مقاصد خود آفرید. هر که خدا را آفریننده خود بشمارد، و این موضوع را نادیده بگیرد، فریب خورده و به خود ضرر و زیان وارد خواهد ساخت.

### اول قرنیتیان ۶

۱۹: آیا نمی دانید که بدن شما معبد روح القدس است که در شماست و آن را از خدا یافته اید، و دیگر از آن خود نیستید؟

(خط کشی زیر از من است)

هیچ کس نمی تواند آینده زندگی زناشویی خود را پیش بینی کند، ولی یک چیز مسلم است: خدا انسان را برای منظور و مقصود خود آفرید و «آنچه را هیچ چشمی ندیده، هیچ گوشی نشنیده، و به هیچ اندیشه ای نرسیده، خدا برای دوستان خود مهیا کرده است».

### اول قرنیتیان ۲

۹: چنانکه آمده است: «آنچه را هیچ چشمی ندیده، هیچ گوشی نشنیده، و به هیچ اندیشه ای نرسیده، خد برای دوستان خود مهیا کرده است.»

## خواست خدا یک تن شدن زن و شوهر است

### پیدایش ۲

۲۴: از این سبب مرد پدر و مادر خود را ترک کرده، با زن خویش خواهد پیوست و یک تن خواهند بود

منظور خدا از "ترک" پدر و مادر این نیست که رابطه میان فرزند و والدین قطع خواهد شد، بلکه منظور شخصیت و اهداف زندگی مرد و زن بگونه ای تغییر خواهد کرد که آن دو "یک تن خواهند بود". یعنی دیگر به پدر و مادر خود جواب گو نیستند بلکه با تعهد نسبت به ازدواجی که

بر مبنای خواست خدا صورت گرفته، زندگی زناشویی را با رهبری روح القدس و موافق با کلام خدا پیش خواهند برد. این عهدی است ابدی که با یکدیگر می بندند و خدا را شاهد می گیرند.

*ازدواج مسیحی تعهدی است میان زن و مرد که زندگی زناشویی را با رهبری روح القدس و موافق با کلام خدا پیش خواهند برد. این عهدی است ابدی که به یکدیگر می دهند و خدا را نیز شاهد می گیرند*

منظور این است که طرفین ازدواج، خدا را از طریق روح القدس و کلامش صاحب و راهنمای زندگی زناشویی خود می شمارند تا شیطان شکست خورده و خواست خدا ("آنچه را هیچ چشمی ندیده، هیچ گوشی نشنیده، و به هیچ اندیشه‌ای نرسیده") در زندگیشان انجام گیرد. به این خاطر دلشان باید تنها با خدا باشد. اگر منظور و مقصود طرفین ازدواج رضای خواست خدا باشد، آنوقت زمینه کار برای روح القدس (از طریق کلامش) فراهم خواهد شد و خواست خدا عمل خواهد کرد. شیطان این را نمی خواهد و از طریق فرهنگ حاکم بر جامعه، عکس آن را رواج می دهد. به همین خاطر است که زندگی زناشویی کسانی که موافق خدا زندگی نمی کنند باطل و ناپایدار می گردد، چون برای چنین زندگی آفریده نشده اند. طریق زندگیشان مخالف ساختمانی است که خدا برایشان آفرید.

## ازدواج مسیحی خدا را شاهد می گیرد

### ملاکی ۲

۱۳: و این را نیز بار دیگر بعمل آورده اید که مذبح خداوند را با اشکها و گریه و ناله پوشانیده اید و از این جهت هدیه را باز منظور نمی دارد و آن را از دست شما مقبول نمی فرماید.  
۱۴: اما شما می گوئید سبب این چیست؟ سبب این است که خداوند در میان تو و زوجه جوانی ات شاهد بوده است و تو به وی خیانت ورزیده ای، با آنکه او یار تو و زوجه هم عهد تو می بود.

ازدواج مسیحی عهدی است که زن و شوهر در حضور خدا با یکدیگر می بندند. این عهد بخاطر آن است که به دنیا اعلام کنند ازدواجشان برای خواست خدا است، و اوست که صاحب و راهنمای زندگی زناشویی آن ها خواهد بود. خیانت به عهد خدا یعنی خیانت به خود خدا و عاقبت آن نیز دردناک است ("اشکها و گریه و ناله").

شیطان همیشه در کمین نشسته و انتظار دست برد بر مال خدا را دارد. او از مسائل و مشکلات زندگی و ضعف های طرفین ازدواج استفاده می کند تا زندگی زناشویی را خراب کرده از خدا روگردان کند. تنها راه پیروزی در زندگی زناشویی این است که عمداً توکل به خدا نمود و عهد او را نگاه داشت.

شیطان از مسائل و مشکلات زندگی و ضعف های طرفین ازدواج  
استفاده می کند تا زندگی زناشویی را خراب کرده  
از خدا روگردان کند

منظور از نجات این نیست که از شر شیطان خلاص شویم تا آن زندگی که برای خود می خواهیم را بدست آوریم. این برگشت به همان خواهد بود که از آن نجات یافته ایم (یعنی خود خواهی). زمانی که زندگی را در دست خود داشتیم دچار بلاهای شیطان می شدیم. خدا بهتر از ما می داند چه برای ما خوب است و چه نیست. او ما را آفرید، و توانائی هدایت زندگی ما را از طریق روحش که در ما است دارد. گناه (میوه شیطان) است که باعث مسائل و مشکلات ما می شود، و خدا است که توانائی خلاصی از شر او را دارد. ما به تنهایی توانائی حل مسائل و مشکلات زندگی خود نیستیم. اگر بودیم، ادامه نمی یافتند.

خدا از هر مسئله و مشکلی استفاده می کند  
تا از طریق کلام و قدرت روح القدس،  
ما را برای همیشه از شر شیطان  
رهایی بخشد

خدا در کلامش گفته، هیچ مسئله ای نیست که قبلاً ایمانداران به خدا، توانائی حل آن را با توکل به خدا بدست نیاورده باشند:

### اول قرنیتان ۱۰

۱۳: هیچ آزمایشی بر شما نمی آید که مناسب بشر نباشد. و خدا امین است؛ او اجازه نمی دهد بیش از توان خود آزموده شوید، بلکه به وقت آزمایش، راه گریزی نیز فراهم می سازد تا تاب تحملش را داشته باشید.

"راه گریز" این نیست که راه فرار را بدست آوریم. خدا از شیطان گریزان نمی باشد. راه گریز، راه خدا است، که ما را از شر مسائل و مشکلات زندگی خلاص کرده (خدا جای آن را گرفته) و "تاب تحملش را داشته باشیم". راه خدا را روح القدس همیشه برکت می دهد، و این برکت شامل "تاب تحمل" در برابر مسائل و مشکلات زندگی نیز می باشد.

## مسائل و مشکلات زندگی فرصتی نیکو برای ما می باشند

ولی شرط در آن است که هر مسئله را مطابق با معیار کلام خدا (از دیدگاه خدا) بسنجیم. در حقیقت هر مسئله و مشکلی را می توان به دو طریق برداشت نمود:

### مسائل و مشکلات زندگی

۱. آزمایش به جانب نیکی، که منجر به ————— ← برکت خدا خواهد شد
۲. وسوسه به جانب گناه، که منجر به ————— ← لعنت شیطان خواهد شد

برای ایمانداران به عیسی مسیح راهی تازه از جانب خدا باز شده. مسیحیان امکان استفاده از مسائل و مشکلات زندگی برای ایجاد شباحت بیشتر به خدای خود را بدست آورده اند:

### یعقوب ۱

۲: ای برادران من، هر گاه با آزمایشهای گوناگون روبه‌رو می‌شوید، آن را کمال شادی بینگارید!

"کمال شادی" از جایی سرچشمه می گیرد که ایماندار مسئله خود را "آزمایشی" بشمارد که خدا برای خیریت او (پاکسازی او) به کار خواهد برد. منظور این نیست که خدا ما را آلت دست خود کرده تا روی ما آزمایش کند! همانطور که قبلاً گفته شد، خدا ما را تنها برای مقاصد خود آفرید (ساختمان اصلی ما چنین جانبی را پذیرا است)، و به همین خاطر از مسائل و مشکلاتی که شیطان برای ما ایجاد می کند استفاده می کند تا چاره درد های ما (ضعف های روحانی ما) را آشکار کند. اما مشروط بر آن که مسائل و مشکلات زندگی خود را لعنت شیطان نشماریم، بلکه "آزمایشی" که خدا اجازه آن را داده تا با بکار بردن کلامش، ریشه و راه حل آن ها را از آن طریق پیدا کنیم. خدا ما را به آن طریق از شرّ (نتیجه بد) مسائل و مشکلات زندگی خلاص می نماید (نتیجه نیکو). دیگر لازم نیست مسائل و مشکلات زندگی در دسری برای ما باشند. نه تنها در دسر نباشند، بلکه امکانی برای بدست آوردن برکت خدا نیز باشند، و در نتیجه در برابر این گونه پیش آمد های زندگی بتوانیم شادی نیز بکنیم. خدا از این طریق ما را بیشتر شبیه عیسی مسیح می کند، و برای همیشه از شرّ آن ها خلاص می سازد. کتاب مقدس برای همین منظور داده شده، و کفاف زندگی خدا گانه را دارد. بدون استفاده از کلام خدا، نمی توان از منظور و مقصود نیکویی که خدا از فراز و نشیب های زندگی دارد بهره مند شد.

### افسیان ۴

۲۲: شما آموختید که باید به لحاظ شیوه زندگی پیشین خود، آن انسان قدیم را که تحت تأثیر

امیال فریبنده دستخوش فساد بود، از تن بهدر آورید.

۲۳: باید طرز فکر شما نو شود،

۲۴: و انسان جدید را در بر کنید، که آفریده شده است تا در پارسایی و قدوسیت حقیقی، شبیه خدای قدوس باشد.

منظور از "امیال فریبنده" تنها گرایش های بد ایماندار نیست، بلکه میل او به خود است (به جای خدا) که شیطان در او کار گذاشته بود، و باعث زندگی پر از فراز نشیب شده است. انسان برای خودش ساخته نشده بود، و به همین لحاظ است که جلال خدا را از دست داد و زندگی پر دردسری را بدست آورد. خود خواهی انسان گناه به خدا است. اما حال که گناهانش بخشوده شده و آفرینش تازه خدا را بدست گرفته، خدا می گوید "آن انسان قدیم را که تحت تأثیر امیال فریبنده دستخوش فساد بود، از تن به در آورید. باید طرز فکر شما نو شود، و انسان جدید را در بر کنید، که آفریده شده است تا در پارسایی و قدوسیت حقیقی، شبیه خدای قدوس باشد". ما ایمانداران آفرینش "نو" است که خدا از ما می خواهد. روح القدس تنها با رفتاری که از خدا است میوه می آورد. و این رفتار را خدا از طریق کلامش به ما نشان داده.

ولی باید توجه داشت که این دو راه (آزمایش به جانب نیکی، یا وسوسه به جانب گناه) هر دو شامل رنج و زحمت خواهند بود.

### یطرس ۱

۶: و در این بسیار شادمانید، هر چند اکنون زمانی کوتاه بنا به ضرورت در آزمایشهای گوناگون غمگین شده‌اید،

۷: تا اصالت ایمانتان در بوته آزمایش به ثبوت رسد و به هنگام ظهور عیسی مسیح به تمجید و تجلیل و اکرام بینجامد، همان ایمان که بس گرانبهاتر از طلاست که هر چند فانی است، به وسیله آتش آزموده می‌شود

خدا نگفته آزمایش ها بدون درد و زحمت خواهند بود. اینجا ممکن است بپرسید: "پس اگر هر دو شامل درد و زحمت می باشند، چه فرقی دارد آزمایش باشند یا نباشند؟" آنچه آزمایش به جانب نیکی را برجسته می کند نتیجه نیکویی است که به جای می آورد. ممکن است درد و رنج ها اجتناب ناپذیر باشند، ولی خدا می گوید نتیجه همه را تبدیل به برکت خواهد نمود. در عوض، راه دیگر برای همه مشخص است چه نتیجه ای دارد. کسانی که به عیسی مسیح ایمان ندارند، چاره ای جز وسوسه به گناهی که منجر به لعنت شیطان می شود ندارند.

علاوه بر این، خدا از ما ایمانداران خواسته وقت کافی را به روح القدس بدهیم تا میوه خود را در هر آزمایشی که برای ما پیش می آید، عمل آورد.

### یعقوب ۱

۳: زیرا می‌دانید گذشتن ایمان شما از بوته آزمایشها، پایداری به‌بار می‌آورد.

۴: اما بگذارید پایداری کار خود را به کمال رساند تا بالغ و کامل شوید و چیزی کم نداشته باشید.

روح القدس است که درون ما کار می کند و میوه خدا را عمل می آورد. ولی شیطان نیز بی کار نشسته و کوشش خواهد کرد با برانگیختن احساسات و ایجاد شک و تردید نسبت به کار خدا، ما را از ادامه راه خدا منصرف می سازد. ما ایمانداران در بند شیطان نیستیم، ولی در معرض وسوسه او قرار می گیریم.

"بوته آزمایشها" که یعقوب صحبت از آن کرده، همان تحمل درد و رنجی است که "پایداری به بار می آورد".



عیسی مسیح تحمل این درد و رنج ها را به شکل دیگری عنوان نمود:

## متی ۱۱

۲۸: «بباید نزد من، ای تمامی زحمتکشان و گرانباران، که من به شما آسایش خواهم بخشید.  
۲۹: یوغ مرا بر دوش گیرید و از من تعلیم یابید، زیرا ملایم و افتاده دل هستم، و در جانهای خویش آسایش خواهید یافت.»

یوغ عیسی مسیح تحمل درد و رنجی است که گناه ایجاد کرده و نه او. روح القدس دل ما را از گناهی که به شکل رفتار عادت شده، میوه شیطان را بار می آورد، پاک می سازد. این رفتار های گناه آلودی که به شکل خشم، ترس، شک، و غیره، کماکان از ما سر می زنند، و آبروی عیسی مسیح و ما را می برند را روح القدس بر ما آشکار می کند. این رفتار های غیر مسیحی است که در زندگی ما ایمانداران شر بر پا می کنند و نیاز به جراحی روح القدس دارند. ولی روح القدس بدون توافق ما کار نخواهد کرد.

## لوقا ۱۱

۹: «پس به شما می گویم، بخواهید که به شما داده خواهد شد؛ بجوید که خواهید یافت؛ بکوید که در بهر ویتان گشوده خواهد شد.»

### ۱. "بخواهید که به شما داده خواهد شد":

روح القدس نیاز به "خواست" ما دارد تا کار خود را انجام دهد. خواست ما دل ما را پذیرای کلام خدا می کند و زمینه کار را برای روح القدس فراهم می سازد. ولی شیطان بی کار نشسته و در سدد دخالت خواهد بود. در نتیجه، هر اندازه خواست ما قوی تر باشد، وقت کافی (زمینه کار) برای کار روح القدس فراهم خواهد شد.

### ۲. "بجوید که خواهید یافت":

کلام خدا به همین منظور به کلیسا داده شده. جستن آیاتی که مربوط به موضوع خاص ما می شوند، برای زندگی روحانی ما حیاتی هستند. کاربرد این آیات، خواست خدا را در زندگی ما ایجاد می کنند. این قدم را خودمان، یا با کمک خادمین کلیسا می توانیم انجام رسانیم. در صورتی که خود بخواهیم آیات را بجویم و بکار ببریم، نتیجه حاصل از آن را باید با خادمین کلیسا در میان بگذاریم تا اطمینان از صحت و کامل بودنشان را بدست آورده باشیم. خدا کلیسا را به منظور کمک رساندن در این راه، بنا ساخته است. اگر دست رسی به کلیسا میسر نیست، تماس های غیر مستقیم کماکان پای بر جا هستند.

### ۳. "بکوید که در بهر ویتان گشوده خواهد شد":

"کوبیدن" نه تنها نشانه نیازی است که از خدا داریم، بلکه ابراز قوی و راسخی است (کوبیدن تا بدست آوردن) که تا بدست نیاورده ایم، دست از آن بر نخواهیم داشت. این همان "پایداری" است که یعقوب صحبت از آن کرده (اما بگذارید پایداری کار خود را به کمال رساند تا بالغ و کامل شوید و چیزی کم نداشته باشید) (یعقوب ۱: ۴). منظور استقامت در برابر خراب کاری های شیطان بر سر

راه است. آنچه در این راه لازم است یاری روح القدس است. روح القدس حاضر است و عده های خدا را در هر زمان به یاد ما بیاورد، ولی ما باید آن ها را در دعا از او بخواهیم (خدا با زور کای ندارد و در همه چیز، انتظار خواست ما را دارد).

جراحی روح القدس نیاز به استقامت و پایداری دارد تا میوه آن بدست آید. رفتار کردن به گونه ای که عکس آنچه عادت سالیانه زندگی بوده، کار آسانی نیست. خدا خود اولین کسی است که اعتراف به آن کرده:

### اول قرنیتان ۱۰

۱۳: هیچ آزمایشی بر شما نمی آید که مناسب بشر نباشد. و خدا امین است؛ او اجازه نمی دهد بیش از توان خود آزموده شوید، بلکه به وقت آزمایش، راه گریزی نیز فراهم می سازد تا تاب تحملش را داشته باشید.

ولی ضمناً می بینیم که "راه گریزی" را نیز فراهم ساخته (تغییری که روح القدس در ما ایجاد می سازد) تا با امید به آن، تحمل درد و زحمت آزمایش را داشته باشیم. هیچ آزمایشی نیست که مناسب ما نباشد. اگر اینطور نبود خدا اجازه آن را نمی داد. خدا اجازه چنین پیش آمد ها را می دهد تا حواس ما را به راه حلی که در کلامش موجود است جلب کند. راه حل تمام مسائل و مشکلات زندگی بشر در کلام خدا موجود است. ولی ما ایمانداران باید توجه داشته باشیم که پاکسازی ما (حل مسائل و مشکلات) بخاطر خود ما نیست، بلکه بخاطر پیش برد مقاصد خدا است.

### دوم قرنیتان ۵

۲۰: پس سفیران مسیح هستیم، به گونه ای که خدا از زبان ما شما را به آشتی می خواند. ما از جانب مسیح از شما استدعا می کنیم که با خدا آشتی کنید.

البته مزایای جانبی برکات خدا شامل زندگی روحانی (و بهشتی) نیز می باشد که نباید دست کم گرفته شود. اما شرط عمده، این است که نیت (دل) باید اطاعت از خدا باشد و نه مزایای بدست آمده.

### نتایج راه خدا در زندگی زناشویی

۱. شباهت به خدا
۲. رهایی از خصوصیات گذشته زندگی
۳. رهایی از شر مسائل و مشکلات
۴. یک تن شدن با یار خود.

## هدف پادشاهی خدا است

عیسی مسیح به همه ایمانداران می گوید این را از خدا بخواهید:

### متی ۶

۹: «پس شما اینگونه دعا کنید: «ای پدر ما که در آسمانی، نام تو مقدس باد.  
۱۰: پادشاهی تو بیاید. اراده تو، چنانکه در آسمان انجام می شود، بر زمین نیز به انجام رسد.

"پادشاهی تو بیاید"، یعنی حاکمیت او بر زندگی ما ایجاد شود. حاکمیت خدا چگونه ایجاد می شود؟ ابتدا شخص باید ایمان به عیسی مسیح بعنوان خدا و منجی خود آورده باشد تا خدا پادشاه او گردد. ولی "پادشاهی خدا" فراتر از ایمان داشتن به خدا می باشد. ما ایمانداران به خدا، تنها به حرف های خدا گوش می کنیم، و با شناخت کلام خدا و راهنمایی روح القدس، روزگار خود را می سنجیم، و آنچه خواست خدا است را به این شکل شناسائی کرده، اجرا می کنیم. هر چه روزانه در زندگی ایماندار واقع می شود (چه کوچک یا بزرگ)، نه تنها اتفاقی نیست، بلکه خواست خدا را در بر دارد. ایماندار به خاطر خدا روزانه می خورد، می خوابد، کار می کند، و غیره. حاکمیت خدا به این شکل است که تمام لحظه های زندگی خود را بعنوان فرزندان خدا، از دیدگاه خدا برداشت کنیم، و هر چه می کنیم را عمداً برای خاطر او بکنیم. به این ترتیب، ممکن است رفتاری کنیم که مطابق با آنچه در کلام خدا خوانده ایم نباشد. یا ممکن است فکری که می کنیم مطابق با کلام نباشد. آنگاه می دانیم که باید توبه کرده و اطمینان حاصل کنیم که خدا در مورد آن چه گفته و چگونه از ادامه به آن آزاد شویم. به این شکل است که خدا روزانه ما را هدایت می کند و حاکمیت خود را کامل می نماید.

"اراده تو، چنانکه در آسمان انجام می شود، بر زمین نیز به انجام رسد"، یعنی همانطور که اراده تو در آسمان اجرا می شود، در زندگی من نیز اجرا شود. بطوری که گفته شد، خدا از طریق وقایع روزانه ما را در راه خود هدایت می کند. این هدایت روزانه او است که ما را ساخته و کارگرانی با ارزش برای او فراهم می کند. خصوصاً روزی که با مسئله و مشکلی روبرو می شویم. در چنین مواقعی است که خدا از طریق روح القدس ما را قادر می سازد کلامش را اجرا کنیم و در این راه پایدار بمانیم تا خواست خدا انجام شده میوه روح القدس در زندگی ما به ثمر آید. کلام خدا پر از آیاتی است که برای تشویق، رانمایی، و هدایت ما در چنین مواقع فراهم شده. مسائل و مشکلات زندگی حاکمیت خدا را بر زندگی ما بوجود می آورند. برعکس لعنتی که شیطان منظور داشته است.

مسائل و مشکلات زندگی حاکمیت خدا را  
بر زندگی ما بوجود می آورند.  
برعکس لعنتی که شیطان  
منظور داشته

بطوری که قبلاً گفته شد، ازدواجی که عیسی مسیح را سر- روح القدس را یار- و کلام خدا را راهنمای زندگی نشمارد، دوام چندانی نخواهد داشت چون هدف و مسیر مضری را پیش گرفته است. اما تنها بی ایمانان نیستند که چنین هدف و مسیر مضری را در زندگی زناشویی پیش گرفته اند. زندگی زناشویی مسیحیان نیز مطابق با عقاید و رفتار های عادت شده قدیم می باشد. ناخود آگاه خشمگین می شوند، بهانه می گیرند، دروغ می گویند، و غیره. خدا در کلامش به ایمانداران به عیسی مسیح هشدار داده طریق زندگی گذشته خود را ادامه ندهند:

### اول قرنیتیان ۱۰

- ۱: زیرا ای برادران، نمی‌خواهم از این موضوع غافل باشید که پدران ما همه زیر ابر بودند و همه نیز از میان دریا گذشتند.
- ۲: آنان همه در ابر و در دریا در اتحاد با موسی تعمید یافتند،
- ۳: و همه از یک خوراک روحانی خوردند
- ۴: و از یک آشامیدنی روحانی نوشیدند؛ زیرا از آن صخره روحانی می‌نوشیدند که از پی ایشان می‌آمد، و آن صخره مسیح بود.
- ۵: با این همه، خدا از بیشتر آنان خرسند نبود، پس اجسادشان در سرتاسر بیابان پراکنده شد.
- ۶: همچون آنان در پی بدی نباشیم.

خدا می گوید از نتیجه زندگی کسانی که مطابق با احکام خدا زندگی نکردند عبرت بگیریم و بخواهیم عوض بشویم.

### اول قرنیتیان ۱۰

- ۱۱: این امور چون نمونه بر آنان واقع گردید و نوشته شد تا عبرتی باشد برای ما که در زمانی به سر می‌بریم که غایت همه اعصار تحقق یافته است.

دیگر لزومی ندارد افکار و رفتار روزانه ما مثل سابق باشد. لزومی ندارد به خود بگوییم عیبی ندارد، و افسوس بخوریم که نمی‌توانیم آن گونه که خدا می‌خواهد باشیم. راه خدا باز است و حال برای ما روشن شده می‌دانیم چگونه قدم برداریم، چگونه گودال های سر راه را پشت سر بگذاریم، و تمام لحظات زندگی را پیروزمندانه بسر کنیم.

### عبرانیان ۱۲

- ۵: و آن سخن تشویق‌آمیز را از یاد برده‌اید که شما را پسران خطاب کرده، می‌گوید: «ای پسر، تأدیب خداوند را خوار مشمار، و چون ملامتت کند، دلسرد مشو.
- ۶: زیرا خداوند آنان را که دوست می‌دارد، تأدیب می‌کند، و هر فرزند خود را که مورد لطف اوست، تنبیه می‌نماید.»

مسائل و مشکلات ما ممکن است تأدیب خداوند بوده باشند، ولی باید اطمینان داشته باشیم برای خیریت ما است.

## رومیان ۸

۲۸: می‌دانیم در حق آنان که خدا را دوست می‌دارند و بر طبق اراده او فراخوانده شده‌اند، همه چیزها با هم برای خیریت در کار است.

موضوع تنبیه، بگونه ای نیست که دنیا برداشت آن را دارد. تنبیه خداوند ممکن است رنج و زحمت را داشته باشد، ولی ثمری دارد که جاودانی است. ثمرات روح القدس حیات بخشند، نه پر از ضرر و زیان. زیان، درد و رنجی دارد که بی ثمر و بی فایده باشد. چیزی جز صدمه زدن به انسان، کار دیگری نمی‌کنند. اما وقتی درد و رنجی را که بخاطر فکر و رفتار نادرستی، در راه خدا تحمل می‌کنیم، خدا گفته ثمرات نیکوی او را تجربه خواهیم کرد. یعنی "همه چیزها با هم برای خیریت در کار است". خدا ما را تغییر می‌دهد تا به شکل فرزندش عیسی مسیح در آییم.

خدا می‌تواند ازدواجی که هیچ‌امیدی در آن نیست را تبدیل به ازدواجی کند که می‌درخشد (۱). این راه، عملاً از طریق شناخت و اجرای کلام خدا برای حل مسائل و مشکلات زندگی ایجاد می‌شود، و توسط کشیشان تعلیم دیده و خادمین مشاوره مسیحی کلیسا اجرا می‌گردد. حال ایمانداران در راه اجرای کلام خدا و دست رسی به زندگی مسیحی تنها نیستند.

## طرفین ازدواج مسیحی

ازدواج مسیحی از سه نفر تشکیل شده: زن، شوهر، و خدا.

ازدواج مسیحی از سه نفر تشکیل شده:  
زن، شوهر، و خدا

خدا سر زندگی زناشوئی است، یعنی سر زن، سر شوهر، و سر فرزندان. او از طریق روح القدس، کلامش را در زندگی زن، شوهر، و فرزندان بارور کرده و میوه می‌آورد. شوهر سر زن و فرزندان می‌باشد، و زن یار مطیع او. خدا چنین نظم و ترتیبی را برای ازدواج فراهم ساخته چون خواست او تنها در چنین شرایطی است که در زندگی زناشوئی تحقق می‌یابد. تنها راه خوشبختی زن و شوهر نیز در انجام خواست خدا است. خدا فرزندان را دوست می‌دارد و جز بهترین، چیز دیگری را برایشان نمی‌خواهد.

وقتی زن و شوهر ایماندار، خدا را سر زندگی خود می‌شمارند، هر چه مربوط به زندگیشان می‌شود را نیز باید به او بسپارند.

## متی ۶

۳۳: بلکه نخست در پی پادشاهی خدا و انجام اراده او باشید، آنگاه همه اینها نیز به شما عطا خواهد شد..

معنی آنکه خدا سر ("پادشاه") زندگی زناشویی است، این است که همه چیز در دست خدا است. در نتیجه لزومی ندارد (و خدا نمی خواهد) در فکر خودشان باشند. خود باید جایش را به خدا بدهد. ممکن است بپرسید "پس اگر گشنه و تشنه باشم، نباید به خود فکر کنم؟ اگر بی کارم و یا مریض حالم به خودم فکر نکنم؟" خیر، منظور این نیست. برآورد این نیازها جز خواست خدا است ("آنگاه همه اینها نیز به شما عطا خواهد شد"). منظور از پادشاهی خدا آن است که تنها خدا در افکار شما جای داشته باشد تا همه چیز مطابق با کلامش قرار گیرد. تنها با پیروی از این اصل است، که خوشبختی زن و شوهر مسیحی تضمین شده است. اصل موضوع در زندگی زناشویی مسیحی باید ملکوت و پادشاهی خدا باشد. خدا باید نهایتاً صاحب تمام جوانب زندگی زن و شوهر بگردد. این مستلزم آن خواهد بود که هر دو دلشان با خدا و اجرای کلامش باشد. تغییرات لازم را خدا از طریق مسائل و مشکلات زندگی برایشان آشکار خواهد کرد (۲). برداشت و رفتار نیکویی را که زن و شوهر در مقابل مسائل و مشکلات زندگی زناشویی خود بدارند را روح القدس استفاده کرده و تبدیل به میوه نیکو می نماید. در این راه است (پاکسازی) که خدا گانگی (یک تن شدن) بدست می آید و زن و شوهر مسیحی خوشبختی خدا را بدست می آورند و زندگی زناشویی آن دو خواهد درخشید.

**در این راه است (پاکسازی) که خدا گانگی (یک تن شدن) بدست می آید و زن و شوهر مسیحی خوشبختی خدا را بدست خواهند گرفت و زندگی زناشویی آن دو خواهد درخشید.**

خواست های خدا، باید جایگزین خواست های زن و شوهر بگردند. هر دو باید ترجیح دهند مطابق با کلام خدا زندگی کنند، و نه مطابق آنچه طبق عادات گذشته به نظرشان می رسد. کلام خدا نقش زن و شوهر را در زندگی زناشویی مسیحی مشخص کرده، و تنها با رفتاری مطابق با آن است که خدا زن و شوهر را یک تن می کند. اما سر سپردگی زن و شوهر باید ابتدا به خدا بوده باشد تا اهداف خدا در زندگی زناشویی آنها اجرا گردد. هر دو باید چگونگی تسلیم به خدا را بی آموزند. پیشامد های زندگی زناشویی مسیحی دیگر نمی تواند طبق قدیم دو راه را داشته باشند؛ یکی راه خدا و دیگری راه انسان (در واقع راه شیطان) (۳). راه خدا همیشه تنها راه سالم و موفق بوده، هست، و خواهد بود. آنکه بخواهد راه خدا را دنبال کند، باید در خصوص هر موردی اطمینان بدست آورده باشد که خدا راجع به آن چه گفته و چه انتظاری را دارد. در بعضی موارد خدا عمل و رفتار خاصی را لازم کرده و در خصوص موارد دیگری تنها صبر و استقامت.

**آنکه بخواهد راه خدا را دنبال کند، باید در خصوص هر موردی اطمینان بدست آورده باشد که خدا راجع به آن چه گفته و چه انتظاری را دارد.**

اطمینان از آنچه خدا راجع به موارد مختلف گفته را می توان از کشیش و مشاوران مسیحی که با کار برد کلام آشنا هستند و در کلیسا خدمت می کنند بدست آورد. اما توجه داشته باشید، مشاوره که خارج از کلیسا است، جزء بدن خدا (کلیسا) نیست، و نتیجتاً اعتبار روحانی ندارد.

## نقش زن در ازواج مسیحی

### افسیان ۵

- ۲۲: ای زنان، تسلیم شوهران خود باشید، همان‌گونه که تسلیم خداوند هستید.
- ۲۳: زیرا شوهر سر زن است، چنان که مسیح نیز سر کلیسا، بدن خویش، و نجات دهنده آن است.
- ۲۴: پس همان‌گونه که کلیسا تسلیم مسیح است، زنان نیز باید در هر امری تسلیم شوهران خود باشند.

خدا می گوید " ای زنان، تسلیم شوهران خود باشید". بسیاری (چه زن و مرد) چنین نقشی را کسر شأن می دانند و فکر می کنند خدا ارزش زن را به این شکل پائین آورده است. ولی خدا زن را خود آفرید و بهتر از مردم می داند چه برای او خوب است و چه نیست. میان زن و شوهر، یکی باید مسئولیت تصمیم گرفتن را بعهده گیرد، و در غیر این صورت، شوهر یک نظر را خواهد داشت و زن نظری دیگر و کار به بن بست خواهد کشید. خدا شوهر را بعنوان سر خانه منصوب کرد تا تصمیم نهایی، پس از گفت و گوی کافی با زنش گرفته شود. خدا شوهر را سر خانه نکرد تا ارزش زن را کمتر از شوهر بگرداند. عیسی مسیح آنقدر برای زن و شوهر مسیحی ارزش گذاشت که جانش را برای هر دو داد. این واقعیت را دنیا نادیده گرفته است. زن یار "موافق" شوهر است و تسلیم او می گردد چون:

### دلیل تسلیم زن به شوهر

۱. خواست خدا از او این است، و
۲. به نفع خود و خانواده اش می باشد

در دنباله آیه ۲۲ خدا به زنان می گوید تسلیم شوهران خود باشید، "همان‌گونه که تسلیم خداوند هستید". منظور این است که زن باید قبلاً تسلیم به خدا بوده باشد تا "همان‌گونه" تسلیم شوهرش بگردد. تسلیم به شوهر ابتدا از تسلیم به خدا شروع می شود. هر موردی را باید بر پایه تسلیم به خدا (اطاعت از کلام) استوار کرد. قدرتی که مخالف تسلیم به خدا و اجرای خواست او است (امیالی که هنوز به شکل عادت در ایماندار باقی مانده) را نباید ناچیز گرفت.

**تسلیم به شوهر ابتدا از تسلیم به خدا شروع می شود**

تسلیم به خدا شدن یعنی او را حاکم بر زندگی شمردن، و خواست او را در خصوص تمام موارد زندگی به جای آوردن. خواست خدا در قبال مسائل و مشکلاتی که اجازه آن را داده در زندگی زناشویی زن و وشهر ایجاد شوند این گونه است:

۱. آنچه خدا در رابطه با مسئله بخصوص گفته را در کلام جستن:

### دوم تیموتاوس ۳

۱۶: تمامی کتب مقدس الهام خداست و برای تعلیم و تادیب و اصلاح و تربیت در پارسایی سودمند است،

(خط کشی زیر از من است)

۲. آنچه خدا در رابطه با مسئله بخصوص گفته را "به جای آوردن":

### متی ۷

۲۱: «نه هر که مرا "سرورم، سرورم" خطاب کند به پادشاهی آسمان راه یابد، بلکه تنها آن که اراده پدر مرا که در آسمان است، به جا آورد».

(خط کشی زیر از من است)

زنی که تسلیم به خدا است، نباید نگران شود که با تسلیم به شوهرش ممکن است حق و حقوق و یا رفاه حالش پایمال خواهد شد. تسلیم به خداوند چنین افکاری را رد می کند. زن مسیحی می تواند (و باید) تنها با ایمان به خدا زندگی کند، و اطمینان را در خود نگاه دارد که خدا همه چیز را می بیند و در وقتش حق و حقوق او را فراهم خواهد ساخت.

### اول پطرس ۵

۷: همه نگرانیهای خود را به او بسپارید زیرا او به فکر شما هست.

ایمان و پایداری زن است که زمینه کار را برای روح القدس فراهم می سازد و خواست خدا را در زن ایجاد کند.

### متی ۹

۲۹: سپس عیسی چشمانشان را لمس کرد و گفت: «بنا بر ایمانتان برایتان انجام شود.»

او باید خود را تنها به خدا بسپارد (همان گونه که شوهر او آینده خود را به خدا سپرده)، و اجازه ندهد نگران بودنش زمینه کار را برای روح القدس خراب کند. ایمان به کلام خدا و زندگی مطابق با آن است (نه آنچه می بیند و یا احساس می کند) که خواست خدا را در زندگی زناشویی زن ایماندار انجام می رساند.



زن مسیحی با ایمان به کلام خدا زندگی می‌کند  
و نه به آنچه در زندگی می‌بیند  
و یا احساس می‌کند

تنها این گونه تسلیم به خدا است که زمینه را برای تسلیم به شوهر فراهم خواهد ساخت.

### رومیان ۸

۲۸: می‌دانیم در حق آنان که خدا را دوست می‌دارند و بر طبق اراده او فراخوانده شده‌اند، همه چیزها با هم برای خیریت در کار است.

"بر طبق اراده او فراخوانده شده" یعنی زن ایماندار نماینده خدا است ("بر طبق اراده او فراخوانده شده")، و با نقش یاری موافق و تسلیم شده به شوهرش فرا خوانده شده خدا را خدمت کند(۸). زن مسیحی از طریق رفتار و افکاری موافق شوهرش، خدا را وارد صحنه زندگی زناشویی خود می‌کند و با بکار بردن ایمانی که به وعده های خدا دارد، باعث می‌شود همه چیز (چه خوب و چه بد) برای خیریت او و خانواده اش بکار برده شود. در این رابطه دو تکلیف خانگی فراهم شده با عناوین "امید از طریق مطالعه صحیح و سودمند کلام خدا"، و "راهنمای زن در نقش همسری نیکو". نه تنها دانش صحیح از کلام خدا لازم می‌باشد، بلکه اجرای آن از طریق این تکالیف است که میوه روح اقدس را به ثمر میرساند. این تکالیف را پس از مشورت با کشیش و خادمین کلیسا بدست گرفته و اجرا کنید، تا مرجع صحیحی برای برآورد آن نیز وجود داشته باشد. انجام تکالیف خانگی بدون مربی فایده کامل خود را نخواهد داشت.

## نقش شوهر در ازواج مسیحی

### افسیان ۵

- ۲۵: ای شوهران، زنان خود را محبت کنید، آن‌گونه که مسیح نیز کلیسا را محبت کرد و جان خویش را فدای آن نمود،
- ۲۶: تا آن را به آب کلام بشوید و این‌گونه کلیسا را طاهر ساخته، تقدیس نماید،
- ۲۷: و کلیسای درخشان را نزد خود حاضر سازد که هیچ لک و چین و نقصی دیگر نداشته، بلکه مقدس و بی‌عیب باشد.
- ۲۸: به همین‌سان، شوهران باید همسران خود را همچون بدن خویش محبت کنند. آن که زن خود را محبت می‌کند، خویشتن را محبت می‌نماید.
- ۲۹: زیرا هرگز کسی از بدن خود نفرت ندارد، بلکه به آن خوراک می‌دهد و از آن نگاهداری می‌کند، همچنانکه مسیح نیز از کلیسا مراقبت می‌نماید -
- ۳۰: زیرا اعضای بدن اویم.
- ۳۱: «از این‌رو مرد، پدر و مادر خود را ترک گفته، به زن خویش خواهد پیوست، و آن دو یک تن خواهند شد.»
- ۳۲: این راز، بس عظیم است - اما من دربارهٔ مسیح و کلیسا سخن می‌گویم.
- ۳۳: باری، هر یک از شما نیز باید زن خود را همچون خویشتن محبت کند، و زن باید شوهر خویش را حرمت نهد.

در آیهٔ ۲۵ خدا به شوهران می‌گوید آن‌گونه زن خود را محبت کنند "که مسیح نیز کلیسا را محبت کرد" (یعنی کسانی که پیرو او بودند). مسیح چگونه کلیسا را محبت کرد؟ او با فروتنی خود را سر و راهنمای کلیسایش گرداند. بامدادان به مکان خلوت رفته و برای او دعا می‌کرد. روزانه کلیسا را در خدا شناسی آموزش می‌داد، و جسم او را به فراوانی تغذیه می‌کرد. شب و روزش را صرف برآورد نیازهای روحانی و جسمانی کلیسا می‌کرد، و نهایتاً جانش را صرف کلیسای خود نمود. عقاید غلط و برداشت‌های نادرست را آشکار می‌ساخت و راستی را جایگزین آن‌ها می‌کرد. توجه او دائماً بر کلیسایش بود تا آن را با کلامش پاک کرده و کامل کند و "چیزی کم نداشته باشد". حال ببینیم عملاً چنین کاری برای شوهر چگونه میسر می‌باشد.

### محبت شوهر مسیحی (۶)

خدا زندگی زناشویی را کلیسا نام برده و شوهر را نیز سر آن منصوب کرده است. بطوری که قبلاً گفته شد، این بخاطر ارزش بیشتر شوهر نیست، بلکه نقشی است که خدا به شوهر داده. هر یک از طرفین ارزش فراوانی را برای خدا دارند و هر یک نیز نقش مشخص و مهمی را در زندگی زناشویی باید عهده گیرند. تنها زمانی روح القدس فرصت را به دست می‌آورد تا آن پاک و قدوسیتی که از خدا است و منجر به "یک تن" شدن می‌گردد را ایجاد کند که هر یک نقش خود را در زندگی زناشویی به عهده گیرند. بدون همکاری زن و شوهر، نقشه‌های خدا انجام نخواهند شد.

تنها زمانی روح القدس فرصت را به دست می آورد تا آن پاکی و قدوسیتهی که از خدا است و منجر به "یک تن" شدن می گردد را ایجاد کند که هر یک نقش خود را در زندگی زناشویی به عهده گیرند

حال ببینیم این نقش چه گونه است:

**الف . در زندگی زناشویی مسیحی، محبت از شوهر آغاز می شود**

#### اول یوحنا ۴

۱۹: ما محبت می کنیم زیرا او نخست ما را محبت کرد.

این نکته بسیار مهم است، چون در دنیا عکس آن رواج دارد. در زندگی مسیحی، شوهر قدم اول را در محبت بر می دارد و تا آخر عمر، به آن ادامه می دهد. این کاری است که مسیح کرد و خدا همان را از شوهر انتظار دارد.

#### اول یوحنا ۲

۶: آن که می گوید در او می ماند، باید همان گونه رفتار کند که عیسی رفتار می کرد.

حال ممکن است به نظر شما چنین کاری غیر ممکن باشد، ولی کلام خدا می گوید:

#### فیلیپیان ۴

۱۳: قدرت هر چیز را دارم در او که مرا نیرو می بخشد.

قدرت انجام خواست خدا از روح القدس سر چشمه می گیرد. باید در برابر مشکلاتی که در راه خدا پدید می آیند صداقت و حقانیت کلام را به یاد آورد. "نیروی" لازم برای انجام کار، اطمینانی است که راه صحیح را پیش گرفته و عاقبت خوبی را به جای خواهد گذاشت. وعده ای است که زندگی را از شکست و لعنت های گذشته تبدیل به پیروزی و برکت خواهد کرد.

#### فیلیپیان ۲

۱۳: زیرا خداست که با عمل نیرومند خود، هم تصمیم و هم قدرت انجام آنچه را که خشنودش می سازد، در شما پدید می آورد.

قدرت انجام خواست خدا از روح القدس سر چشمه می گیرد.  
باید در برابر مشکلاتی که در راه خدا پدید می آیند صداقت و  
حقانیت کلام را به یاد آورد

در نتیجه، تنها چیزی که لازم و مربوط به شوهر می شود آن است که شوهر بخواهد خواست خدا را انجام دهد و در آن نیز قدم بردارد. بقیه کار را خدا انجام می رساند. اما آن "نیرو" که از روح القدس می باشد زمانی بدست می آید که قدم در راه کلام (که نوشته روح القدس است) برداشته شود. خواست شوهر باید تبدیل به عمل بگردد تا زمینه کار برای روح القدس فراهم گردد. تنها با فکر کردن و خواستن نیست که روح القدس توانائی کار را در دست می گیرد. قدم در راه خدا است که برکت می آورد.

خواست شوهر باید تبدیل به عمل بگردد  
تا زمینه کار برای روح القدس فراهم گردد

ب. محبت شوهر مسیحی از "دادن" شروع می شود

### یوحنا ۳

۱۶: «زیرا خدا جهان را آنقدر محبت کرد که پسر یگانه خود را داد تا هر که به او ایمان آورد  
هلاک نگردد، بلکه حیات جاویدان یابد.

(خط زیر از من است)

### رومیان ۱۲

۲۰: برعکس، «اگر دشمنت گرسنه باشد، به او خوراک بده، و اگر تشنه باشد، به او آب  
بنوشان. اگر چنین کنی، اخگرهای سوزان بر سرش خواهی انباشت.»

(خط زیر از من است)

منظور دادن وقت، پول، مال، آسایش، خیر و مصلحت، و هر چه دیگر نیاز زن باشد. عیسی مسیح  
چنین کرد، و خدا از شوهر نیز همین را می خواهد.

منظور از "دادن" یعنی دادن وقت، پول، مال، آسایش، خیر و  
مصلحت، و هر چه دیگر مورد نیاز زن خود باشد

این روش زندگی جدیدی است که خدا از شوهر مسیحی می خواهد و نیاز به آموختن دارد (د). این محبت نیز مانند محبت عیسی مسیح بلاعوض می باشد. شوهر مسیحی وقت، پول، مال، آسایش (و غیره) خود را به زنش نمی دهد تا رضایت او را بدست آورد، و یا محبت متقابل را نصیب خود کند. این دو موضوع مهم دیگری را افشا می کنند. ابتدا، آنچه زن از محبت شوهرش برداشت می کند بستگی به خود زن دارد. اصل موضوع، خود عمل محبت آمیز است و نه نوع و مقدار آن (مقدار وقت، پول، مال، آسایش، خیر و مصلحت، و هر چه دیگر که برای زنش صرف کرده است).

نکته مهم دیگر آن است که شوهر مسیحی بخاطر اطاعت از فرمان خدا است که به زنش محبت می کند. هر یک در برابر خدا مسئول رفتار و برداشت خود می باشند. شوهر اگر آنگونه که خدا گفته عمل کند، پاداش خود را در آسمان ذخیره کرده است. البته خدا برای تشویق شوهر در اجرای کلامش در این دنیا به او پاداش نیز می رساند:

### لوقا ۶

۳۸: **بدهید تا به شما داده شود. پیمانهای پُر، فشرده، تکانداده و لبریز در دامنانتان ریخته خواهد شد! زیرا با هر پیمانهای که بدهید، با همان پیمانها به شما داده خواهد شد.»**

خدا مشوق است و اجرای کلامش را برکت می دهد، اما مسیحیان کلام خدا را برای آن که چیزی در این دنیا بدست آورند اجرا نمی کنند. عیسی مسیح جانش را فدا نکرد تا چیزی را از این دنیا دریافت کند.

**شوهر مسیحی بخاطر اطاعت از فرمان خدا است  
که به زنش محبت می کند**

البته ممکن است محبت مسیحی در مواردی شکل محبت دنیوی را بخود بگیرد، ولی تنها شکل ظاهری آن است که شباهت دارد، چون روح القدس است که میوه خدا را عمل می آورد و تنها از طریق اجرای کلام خدا است که عمل می کند. محبت مسیحی مکمل حیات است و هیچ محبت دیگری توانایی چنین عملی را نمی تواند داشته باشد.

۱. ریشه محبت مسیحی اطاعت از خدا است. عیسی مسیح خود گفت:

### یوحنا ۱۵

۱۰: **اگر احکام مرا نگاه دارید، در محبت من خواهید ماند؛ چنانکه من احکام پدر خود را نگاه داشته‌ام و در محبت او می‌مانم.**

۲. هدف (نیت) محبت مسیحی رضایت خدا است. هر نیت و انتظار دیگری در راه مستقیم و "تنگ و باریک" (۳) خدا جای نمی‌گیرد و از امنیت خدا نیز محروم می‌شود. علاوه بر این، خدا به مسیحیان (از جمله شوهر مسیحی) گفته "دیگر از آن خود نیستید":

### اول قرن‌تین ۶

۱۹: آیا نمی‌دانید که بدن شما مابد روح‌القدس است که در شماست و آن را از خدا یافته‌اید، و دیگر از آن خود نیستید؟

(خط زیر از من است)

خدا با پرداخت بهای خون عیسی مسیح، زندگی مسیحیان را خریداری کرده است. زندگی همه مسیحیان "از آن" خدا است. لازم است این حقیقت را همیشه آویزه گوش خود کرده و همه چیز را بر اساس آن استوار نمود. شوهر مسیحی تنها با قبول کردن آن که زندگی او متعلق به خدا است می‌تواند محبت بلاعوض مسیح را شامل زندگی روزانه خود کند.

۳. عاقبت محبت مسیحی، بنای خواست خدا است. بنای زندگی بهشتی است که نمونه آن را در این دنیا بدست می‌آوریم، و عمری جاودانی است که در بهشت برین خدا بسر خواهیم برد (۷). شوهر مسیحی باید درک کند که خدا شخصی بهشتی است و هر آنچه مربوط به او می‌باشد نیز بهشتی است. خدا او را از منجلا ب این دنیا نجات نداد تا طریق زندگی قبلی را ادامه دهد با شیطان دست و پنجه نرم کرده و به این شکل دستخوش منجلا ب دیگری گردد. خدا این گونه عمل نمی‌کند. البته شیطان می‌خواهد شوهر این گونه برداشت کند. زندگی را کماکان پر از دردر و جنگ و تقلا نشان می‌دهد، حال چه زندگی در راه خدا باشد یا راه دیگر. می‌گوید به زندگی مسیحیان نگاه کن و ببین فرق چندانی را میبینی؟ او توجه شما را تشویق به ظاهر قضیه می‌کند و نه به محتوای آن. او طالب برداشت سطحی و آبی می‌باشد، و حوصله جست و جوی صفات و برکات درونی که ممکن است در کسی بوده باشد را ندارد. و زود نتیجه را نیز گرفته و می‌گوید اگر فرقی را ندیدی بدان که فرق وجود ندارد، و آنچه می‌گویند همان است که همه گفته و خواهند گفت. اما شوهر مسیحی باید کنترل افکار و اندیشه خود را در دست گرفته و در راهی که انتخاب کرده به گمارد و نگذارد به شکل قدیم، به هر جانب و سویی که جلب شود حرکت کند. نمی‌توان یک پای را در دنیا گذاشت و پای دیگر را در ملکوت خدا. افسار افکار و عقاید شوهر مسیحی باید همیشه مطابق با کلام باشد تا نتیجه نیکو آورد.

### یعقوب ۴

۴: ای زناکاران، آیا نمی‌دانید دوستی با دنیا دشمنی با خداست؟ هر که در پی دوستی با دنیاست، خود را دشمن خدا می‌سازد.

۵: آیا گمان می‌برید کتاب بیهوده گفته است: «روحی که خدا در ما ساکن کرده، تا به حد حسادت مشتاق ماست؟»

او نمی‌تواند هم استطاعت سرپیچی از کلام و اطاعت از کلام را داشته باشد. تنها نتیجه ای که چنین کاری به جای می‌آورد شکست در راه خدا و عواقب وخیم آن است. زندگی مسیحی ممکن است مانند زندگی دنیوی شامل فراز و نشیب ها باشد، اما نمی‌توان از حاصلی که به جای می‌آورد بگذشت. بهشت خدا را نمی‌توان رد کرد.

عاقبت محبت مسیحی بنای زندگی بهشتی است که نمونه آن را  
در این دنیا بدست می آوریم، و عمری جاودانی است که در  
بهشت برین خدا بسر خواهیم برد

### پ. محبت شوهر مسیحی بلاعوض است

شوهر مسیحی انتظار محبت متقابل از زنش را ندارد و به این خاطر به او محبت نمی کند. او با این کارش از فرمان خدا اطاعت کرده و وظیفه خود را انجام داده است. عیسی مسیح نیز بخاطر فوایدی که ممکن بود بدست آورد به شاگردانش محبت نکرد. هیچ جایی از کلام خدا از زن خواسته نشده که به شوهرش محبت کند. زن در نقش تسلیم و یاری موافق او، نقشه کامل خدا را برای یک تن شدن آن دو فراهم می کند. البته آنگونه نیست که زن مسیحی به شوهرش محبت نخواهند کرد، ولی از دیدگاه شوهر، محبت زن بخاطر محبتی که او کرده نیست، بلکه فقط بخاطر خوشنودی خدا است. خدا لازم دانسته هر کاری تنها بخاطر اطاعت از احکام او انجام شود تا برکت روح القدس را دریافت کند. اگر کاری را بخاطر و یا نیت دیگری جزء خدا انجام دهیم، نمی توانیم انتظار برکات خدا را نیز داشته باشیم. این منطق مطابق با کلام خدا نیست.

خدا لازم دانسته هر کاری تنها بخاطر اطاعت از احکام او انجام  
شود تا برکت روح القدس را دریافت کند

شوهر مسیحی بخاطر اجرای احکام خدا است که تا ابد به زنش محبت می کند و نه چیز دیگر. منظور از اطاعت از احکام، بنای شباهت شوهر به عیسی مسیح است و نه پاداش. وقتی شوهری با اعتراض می گوید: "زنم به من محبت نمی کند" و یا "محبت از خانه ما دور شده"، باید ابتدا حقیقت تلخ حاکم بر زندگی را برداشت کرده باشد تا مسئولیت ایجاد محبت را به دوش گیرد. این منطق صحیح و درست، تنها زمانی جایگزین قبلی خواهد شد که شوهر خود اساس زندگی زناشویی را در پیروی از کلام خدا بشمارد. در غیر اینصورت، مانند بادی که بر دریا می وزد، از این سو به آن سو کشیده خواهد شد. کلام خدا حقیقت دارد و نباید به آن شک کرد:

### یعقوب ۱

۶: اما با ایمان درخواست کند و هیچ تردید به خود راه ندهد، زیرا کسی که تردید دارد، چون موج دریاست که با وزش باد به هر سو رانده می شود.

## ت . محبت شوهر مسیحی با احساس شروع نمی شود

در دنیا محبت معمولاً تنها با احساس موافق با کسی یا چیزی شروع می شود، و اگر چنین احساسی وجود نداشته باشد امکان پذیر نمی شود. ولی خدا به فرزندان این امکان را داده که احساسات خود را در حله اول کنار بگذارند، و اوامر خدا را با توکل به قدرت روح القدس انجام رسانند. شوهر مسیحی دیگر "احساس گرا" و "خود محور" نیست، بلکه احساس خود را بخاطر اطاعت از خدا نادیده می گیرد تا پس از اجرای فرامین خدا، احساس او نیز موافق راه خدا گردد.

**شوهر مسیحی دیگر "احساس گرا" و "خود محور" نیست، بلکه احساس خود را ابتدا بخاطر اطاعت از خدا نادیده می گیرد تا پس از اجرای فرامین خدا، احساس او نیز موافق راه خدا بگردد**

انسان گناه کار همراه احساساتی که موافق با گناه است به جانب عیسی مسیح می آید و نجات می یابد، و به همین خاطر است که خدا اطاعت بدون چون و چرا را از او طالب شده است. احساسات او مانع اجرای کلام خدا می گردد. ابتدا باید زمینه کار برای روح القدس فراهم شود و پس از اطاعت از فرامین خدا، احساسات ایماندار نیز تمایل به خدا پیدا خواهد کرد. ایماندار نباید از نفوذی که احساساتش بر فکر و رفتارش می گذارد قافل بماند. احساسات مخالف راه خدا مانع بزرگی را در اجرای احکام خدا در زندگی ایماندار ایجاد می کنند. ممکن است تمرکز او بر ماهیت حکم خدا بوده و یا در فکر طریق اجرای آن باشد ولی متوجه کار احساسات مخالف خود نباشد. آنوقت است که آن احساسات مخالف، قدرت جلوگیری از انجام حکم خدا را بدست می آورند.

**احساسات مخالف با خدا مانع بزرگی را در راه اجرای احکام خدا ایجاد می کنند**

عدم آگاهی و جلوس به این قوای تخریب کننده می تواند تأثیر ناگواری در زندگی روحانی ایماندار ایجاد کند. احساسات مخالف او، خصوصاً زمانی که بخواهد کار مشکلی که خدا پیش پای او گذاشته انجام دهد، ممکن است عامل اصلی شکست او بگردد. شاید بپرسید پس نقش روح القدس در کجا است؟ روح القدس زمانی کار پر قدرت و پر عظمت خود را انجام می دهد که ایماندار قدم در راه خدا (اجرای کلام او) بردارد، نه قبل از آن. اول باید به ارزش و خصوصیات کلام پی برد، بعد نقشه انجام آن را موافق با امکانات موجود زندگی خود طرح کرد، و سپس با آگاهی به قوای مانع انجام کار (که شامل احساسات او نیز می باشد) قدم در آن برداشت. قدمی که راسخ، عمدی، و پایدار باشد را روح القدس برکت داده و پر ثمر می سازد.



## ث. محبت شوهر مسیحی با شناخت و اجرای کلام خدا انجام می شود

### افسیان ۵

۲۶: تا آن را به آب کلام بشوید و این‌گونه کلیسا را طاهر ساخته، تقدیس نماید،

شوهر بعنوان سر زن و خانواده مسیحی باید هر هفته جلسات مطالعه کلام خدا را بنا کرده و رهبری کند. او نهایتاً باید بتواند از کلام خدا برای تشخیص صحیح اساس مسائل و مشکلات زندگی استفاده کند، تا راه خدا(راه حل) را شامل زندگی خانواده خود نماید.

**شوهر بعنوان سر زن و خانواده مسیحی  
باید هر هفته جلسات مطالعه کلام خدا را  
بنا و رهبری کند**

با مطالعه هفتگی کلام خدا، مسائل شخصی اعضای خانواده در برابر ذره بین کلام خدا قرار گرفته و باز خواهد شد و به این طریق راه حل خدا نیز شامل زندگی شده و خواست خدا در زندگی خانوادگی او انجام خواهد گرفت.

### عبرانیان ۴

۱۲: زیرا کلام خدا زنده و مؤثر است و برنده تر از هر شمشیر دو دم، و چنان نافذ که نفس و روح، و مفاصل و مغز استخوان را نیز جدا می‌کند، و سنجشگر افکار و نیت‌های دل است.

در صورتی که شوهر در این راه نیاز به کمک داشته باشد باید با کشیش، شیخ، و یا مشاور مسیحی تماس بگیرد. نباید مانند گذشته مسائل و مشکلات زندگی را نادیده بگیرد بلکه به هر یک اهمیت زیادی بدهد. قبلاً اهمیت نمی داد چون چاره ای برایشان نداشت و یا چاره آن خارج از دسترس او بود. اما حال، نه تنها راه حل هر یک را خدا در کلامش نشان داده، بلکه می گوید وجودشان را "کمال شادی بیانگارید" (یعقوب ۱: ۲) چون راه حل هر یک از مسائل و مشکلات زندگی را خدا برکت فراوان خواهد داد. به این ترتیب مسائل و مشکلات زندگی زناشویی را می توان گنجینه برکات پر ارزش خدا نامید. بطور مثال، اگر مسئله یا مشکلی میان اعضای خانواده او شکل گیرد، با خواندن کلام خدا (یعقوب فصل ۴) ماحیت حقیقی آن آشکار خواهد شد و امکان رسیدگی صحیح به آن نیز فراهم خواهد شد.

**مسائل و مشکلات زندگی زناشویی را می توان  
گنجینه برکات پر ارزش خدا نامید**

البته عضویت در کلیسا لازم است. کلیسا را خدا برای انجام کار های روحانی بوجود آورده و یکی از کار های آن رسیدگی به مسائل و مشکلات اعضا از طریق کلام خدا است. دعا، کمک، نصیحت، همراهی، و غیره از جمله خدماتی است که کلیسا به زندگی زناشویی می کند، و تا جایی که امکان دارد باید از خدمات آن بهرمنند شد (۱۰).

## چ . محبت مسیحی شامل خوراک، پوشاک، و نیاز های دیگر نیز می باشد

### یوحنا ۴

۱۴: اما هر که از آن آب که من به او دهم بنوشد، هرگز تشنه نخواهد شد، بلکه آبی که من می دهم در او چشمه ای می شود که تا به حیات جاویدان جوشان است.»

زن مسیحی نیاز های گوناگونی دارد و شوهرش باید آن ها را تشخیص بدهد و برآورده نماید. بطوری که قبلاً گفته شد، زن نیز متقابلاً این کار را بعنوان یار موافق او انجام می دهد. این هدف و کوششی است که زن و شوهر را یک تن می گرداند.

**زن مسیحی نیاز های گوناگونی دارد و شوهرش  
باید آن ها را تشخیص بدهد و برآورده نماید**

منظور آن نیست که زن به شکل شوهرش و یا شوهرش به شکل زنش درآید. هر دو باید تغییر کنند و شکلی که خدا می خواهد را بگیرند. قدم اول را نیز همیشه شوهر باید بر دارد. این راه طبیعی خدا است که باید جایگزین هر چه خلاف آن بوده بگردد (۹). تلاش و کوشش زندگی زناشویی مسیحی برای همسایه خود است (زن خود)، و نه برای خود. خوشبختی واقعی در زندگی زناشویی تنها در راه خدا است. نمی توان شکلی که جامعه دارد را بخود گرفت. فامیل و دوستانی که مخالف زندگی خداگانه هستند را نباید گذاشت دخالتی در زندگی زناشویی مسیحی داشته باشند. خدا است که تنها اجازه دخالت در آن را دارد. حرمت خدا را بعنوان سر زندگی زناشویی باید حفظ کرد، و در صورت لزوم برای حفاظت آن جنگید.

### افسیان ۵

۲۸: به همین سان، شوهران باید همسران خود را همچون بدن خویش محبت کنند. آن که زن خود را محبت می کند، خویشتن را محبت می نماید.

۲۹: زیرا هرگز کسی از بدن خود نفرت ندارد، بلکه به آن خوراک می دهد و از آن نگاهداری می کند، همچنانکه مسیح نیز از کلیسا مراقبت می نماید -

مسیح تنها با آموزش زندگی روحانی به شاگردانش محبت نکرد بلکه با شاگردانش تفریح می کرد، به ایشان خوراک می رساند، و برایشان دعا می کرد. شوهر مسیحی نیز باید وقت کافی برای انجام چنین خدماتی فراهم سازد. اساس کار، تنظیم برنامه هفتگی است که مسئولیت شوهر را نسبت به تمام ابعاد زندگی زن و خانواده اش برآورده می نماید. مهم این است که وقت کافی برای

انجام همه کارها فراهم شود، و بهترین راه نیز تنظیم برنامه هفتگی بر طبق اولویت های خدا است (۴).

**مهم این است که وقت کافی برای انجام همه کارها فراهم شود،  
و بهترین راه نیز تنظیم برنامه هفتگی بر طبق اولویت های  
خدا است**

از این طریق شوهر می تواند اطمینان حاصل کند که کارهایش مطابق با خواست خدا است.

### افسیان ۵

۳۰: زیرا اعضای بدن اویم.

۳۱: «از این رو مرد، پدر و مادر خود را ترک گفته، به زن خویش خواهد پیوست، و آن دو یک تن خواهند شد.»

۳۲: این راز، بس عظیم است - اما من درباره مسیح و کلیسا سخن می گویم.

۳۳: باری، هر یک از شما نیز باید زن خود را همچون خویشان محبت کند، و زن باید شوهر خویش را حرمت نهد.

در آیات ۳۰ تا ۳۲ شباهتی که زندگی زناشویی مسیحی با کلیسا دارد را می بینیم. بطوری که قبلاً گفته شد، شوهر سر زن است مانند عیسی مسیح که سر کلیسا است، و زن مطیع شوهر است مانند اعضای کلیسا که مطیع مسیح می باشند. این "راز" را پولس افشا نمود چون شامل حقایق نهفته بسیاری است، فراتر از آنچه ظاهراً بنظر می رسد. صحبت از بهشت و ملکوت خدا است. دنیای فانی زندگی را تنها با حس پنج گانه خود برداشت می کند، ولی خدا چشم دل ما فرزندان را با حقایقی که فراتر از این دنیا است آشنا ساخته و می خواهد او را با چشم دلمان ببینیم:

### متی ۵

۸: خوشا به حال پاکدلان، زیرا آنان خدا را خواهند دید.

پاکسازی زن و شوهر مسیحی باعث می شود خدای پدر را در دل خود دیده و تمام لحظات زندگی را با او بگذرانند. هر روزشان پر از وجود خدا میشود و در شادی بی نهایت بسر خواهند برد. روزگارشان ارزش بی نهایت خود را پس گرفته، و همه کار را از صمیم قلب اجرا خواهند کرد. آن وقت شیطان جز موجود گمراهی که لیاقت ترحم و راهنمایی خدا را دارد بیش نخواهد بود.

**پاکسازی زن و شوهر مسیحی باعث می  
شود خدای پدر را در دل خود دیده و تمام  
لحظات زندگی را با او بگذرانند**

محبت بی کران خدا از طریق فرزندان جایگزین شرارت شیطان خواهد شد. سرما، گرما، تاریکی، میکروب، و هر چه وجود نامطلوب را بخود گرفته، تبدیل به برکت و ممد حیات خواهد

بود. با وجود آنکه مردم بسیاری کماکان برداشت نامطلوبی دارند، این زن و شوهر همه چیز را خوب و لازم و ممد حیاط خواهند شمرد. همه چیز و همه کس از این زن و شوهر برکت خواهند گرفت. این زن و شوهر از والدین خود سوا شده و وجود خدا را بخود می گیرند. دو شخص مختلف از پدر و مادری مختلف، با افکار و عقاید مختلف، گذشته مختلف، تربیتی مختلف، زیر یک سقف آمده و زندگی پر برکت و خوشبختی را برای همیشه بدست می آورند. تعجب دارد چون اگر چنین وضعی را خارج از ملکوت خدا در نظر بگیریم، غیر ممکن خواهد بود. معمولاً در چنین شرایط جنگ و جدال پیش می آید. اما خدا بهشتی است و نه دنیوی، و معیار او با معیار دنیا فرق می کند. به همین خاطر، پولس موضوع ("راز") را بیان کرده و در بحث زندگی زناشوئی خود وارد کرده است. چون می خواهد به نحوی شکل و ترکیب آینده زندگی زناشوئی که با خدا است را نشان دهد. او این حقیقت را قبل از آنکه جامع عمل ببوشد برای زن و شوهر ایماندار افشا نمود، چون حقیقتی است مشوق راه آن ها. باید بدانند که وقتی خدا عمر تازه را می دهد، خیالی نیست، بلکه آن دو را کاملاً تغییر می دهد. همه چیز برایشان شباحت خدا را می گیرد:

#### مکاشفه ۲۱

- ۵: سپس آن تخت نشین گفت: «اینک همه چیز را نو می سازم.» و گفت: «اینها را بنویس زیرا این سخنان درخور اعتماد است و راست است.»
- ۶: باز به من گفت: «به انجام رسید! من "الف" و "ی" و ابتدا و انتها هستم. من به هر که تشنه باشد، از چشمه آب حیات به رایگان خواهم داد.
- ۷: هر که غالب آید، این همه را به میراث خواهد برد، و من خدای او خواهم بود و او پسر من خواهد بود.

**دو شخص مختلف از پدر و مادری مختلف، با افکار و عقایدی مختلف، گذشته مختلف، تربیتی مختلف، زیر یک سقف آمده و زندگی پر برکت و خوشبختی را برای همیشه بدست می آورند**

و می دانیم که خدا در بهشتی زندگی می کند که بی نهایت است. در بی نهایت، همه چیز بی نهایت است. در این بی نهایت، حیات وجود دارد و آن نیز بی نهایت است. و به این صورت تغییر و تحول ایماندار نیز تا آخر عمر ادامه خواهد داشت. تأثیر آن نیز بی نهایت است. خدا خود تأثیر آن را بی نهایت خواهد کرد تا همه چیز نیکو گردد. چرا، چون خدا بی نهایت نیکو است. این نیکویی اوست که باعث می شود هر آنچه از خدا است، تا ابد دور او جمع شده بسرایند "قدوس قدوس قدوس".

#### مکاشفه ۴

- ۸: آنها هرکدام شش بال داشتند و دور تا دور، حتی زیر بالها، پوشیده از چشم بودند، و شبانه روز بی وقفه می گفتند: «قدوس، قدوس، قدوس است خداوند خدای قادر مطلق، او که بود و هست و می آید.»

## روابط جنسی در ازدواج مسیحی

روابط جنسی میان زن و مرد از جمله مشکلات بزرگی است که وارد زندگی زناشویی می شود، و فرقی ندارد که زن و شوهر ایماندار باشند یا نباشند. این مسائل معمولاً از دوران جوانی آغاز می شوند، و سپس وارد زندگی زناشویی شده و باعث ایجاد بسیاری از مسائل دیگر می گردند. این مسئله عمدتاً بخاطر تبلیغات مختلفی است که از جوانی بر همه تحمیل شده و روابط جنسی را نه تنها منبع بزرگ درآمد در دنیا ساخته، بلکه ماهیت آن را نیز تغییر داده. آنچه خدا برای منظور و مقصود خواصی فراهم ساخت، دستخوش تاخت و تاز دشمن قرار گرفت. متأسفانه ایمانداران نیز بخاطر ضعف رهبران خود مسئله را غیر قابل حل شمرده و موضوع را نادیده گرفته اند. اما حال وقت آن رسیده که موضوع را دوباره به میان آورده و راهی که خدا نشان داده را برای حل و رهائی دنبال نمود.

### اول قرن‌تین ۷

۳: مرد باید وظیفه زناشویی خود را نسبت به زنش به جا آورد و زن نیز باید وظیفه زناشویی خود را نسبت به شوهرش ادا کند.

۴: زن بر بدن خود اختیار ندارد بلکه شوهرش، و مرد نیز بر بدن خود اختیار ندارد بلکه زنش.

۵: پس یکدیگر را محروم نکنید، مگر با رضای یکدیگر و برای مدتی، تا وقت خود را وقف دعا کنید. سپس باز به یکدیگر بپیوندید، مبادا شیطان شما را به سبب ناخوشتنداری در وسوسه اندازد.

ابتدا برداشتی که از آیات قید شده می کنیم این است که خدا روابط جنسی میان زن و شوهر را قدوس شمرده تشویق نیز می کند و هشدار نسبت به انقطاع آن می دهد. کیف و لذت از روابط جنسی نه تنها عیب ندارد بلکه تشویق به آن شده. خدا گرایش جنسی آدم را می شناسد چون او آدم را آفرید. به خاطر همین گرایش جنسی بود که زن را آفرید و گرایش جنسی هر دو را متمایل به هم ساخت. اما باید توجه داشت که تمایلات جنسی هر یک متمایل به دیگری باشد، به آن معنی که بدن زن در "اختیار" شوهرش باشد و بدن شوهر نیز در "اختیار" زنش باشد. غرایز جنسی زن و شوهر طبیعی هستند و هیچ اشکالی در وجودشان نیست.

**خدا روابط جنسی میان زن و شوهر را قدوس شمرده تشویق  
نیز می کند و هشدار نسبت به انقطاع آن می دهد**

اما وقتی این غرایز در راه خلاف آنچه راه خدا بوده مصرف می گردند، شر را وارد زندگی زناشویی می کنند و روزگار را بسوی جهنم سوق می دهند. بسیاری از مسائل و مشکلات زندگی زناشویی ایمانداران از روابط جنسی آغاز می شوند. اهمیت و توجه لازم را به آن نمی دهند چون آن را مانند خوردن و نوشیدن، کاری برای رفع نیاز های خود می پندارند. وقتی تشنه می شوند، لیوان را پر از آب می کنند و می نوشند و اینطور به شکل ساده نیازشان را برآورده می نمایند. خودشان طریق برآورد نیاز هایشان را بدست آورده و هر وقت لازم باشد آن را بکار می برند. اما

در روابط جنسی میان زن و شوهر، چنین رفتاری شر بر پا کرده و زندگی را خراب می‌کند. خدا می‌گوید برای ارضای غریزه جنسی شوهر، زن بدن خود را در اختیار شوهرش می‌گذارد، و شوهر نیز بدن خود را در اختیار زنش می‌گذارد. منظور این است که مرد زن خود را ارضا می‌کند و زن نیز شوهر خود را. در راه خدا مرد نیاز جنسی خودش را برآورده نمی‌کند. زن او نیاز جنسی او را برآورده می‌کند. و متقابلاً نیز شوهر مسئول برآورد نیاز جنسی زنش می‌باشد. اما این راهی نیست که در دنیا رواج دارد. مردان اغلب زنان خود را برای ارضای نیازهای جنسی خود مورد مصرف قرار می‌دهند. خواست خدا این نیست. خود خواهی عکس خواست خدا است. اگر خدا خود خواه بود، هیچ‌گاه فرزند یگانه خود را برای نجات انسان فدا نمی‌کرد. همانطور که گفته شد، مسائل و مشکلات زیادی بخاطر عدم آگاهی زن و مرد از منظور خدا در روابط جنسی پدید می‌آیند. اگر مرد ایماندار بخواهد مطابق با خواست خدا، روابط جنسی با زنش برقرار کند، باید بداند چگونه زنش را راضی کند. زن آن‌گونه که مرد ساخته شده نیست. بدن او ساختمان دیگری دارد و آن‌گونه که مرد به رضای خود می‌رسد، زن نمی‌رسد. زن نیاز به وقت بیشتری است تا آماده عشق بازی بشود. اما شوهر زودتر آماده روابط می‌شود و اینجا است که نیاز زن و شوهر با همدیگر برخورد می‌کنند. شوهر آماده است و شهوت او نسبت به زنش به اوج خود رسیده، اما زن او هنوز آماده نیست. اشکال نیز با زن نیست، چون آن‌گونه که شوهر ساخته شده، زنش به سادگی به اوج شهوت نمی‌رسد. زن نیاز به عشق بازی دارد تا به درجه شهوت شوهرش برسد. در نتیجه شوهر باید شهوت خود را در حال عشق بازی با آرامش تحت کنترل خود قرار بدهد تا زنش نیز به اوج او برسد. تنها در چنین صورتی است که آن رضای جنسی که خدا برای آن دو فراهم ساخته بدستشان خواهد رسید. وقتی بدن شوهر مطابق با خواست خدا در روابط جنسی در اختیار زنش می‌باشد، زن باید شوهرش را راهنمایی بکند تا رضایت زن برآورده شود. اگر شوهر راهنمایی نشود، از کجا بداند چه کار باید بکند. همینطور شوهر نیز باید زنش را راهنمایی بکند تا هر دو با هم به اوج خود رسیده و رضایت را بدست آورند. اگر شوهر زن خود را راهنمایی نکند، ممکن است خود ارضا شده ولی زنش ناکام بماند. چنین اتفاق‌ها است که کم و بیش موجب مسائل دیگری می‌شوند و زندگی زناشویی را از میان می‌برند. عشق و محبت به همسر نیاز به آشنائی با او دارد. اگر نمی‌دانید چگونه عشق و محبت خود را به همسر خود ابراز کنید، راجع به آن با او به صحبت کنید. خدا محبت است و چنین کار شما نه تنها همسر، بلکه خدا را نیز راضی خواهد نمود. ولی توجه داشته باشید که انتظار محبت را نباید داشت چون خود خواهی شما را در میان می‌آورد. آنچه خدا از شما خواسته را اجرا کنید و اطمینان داشته باشید که خدا اجر شما را خواهد داد. هر یک از طرفین ازدواج مسئول برآورد رضایت جنسی طرف مقابل خود است. ممکن است چنین کاری برای زن و شوهران تازه‌تازگی داشته باشد و ابتدا با اشکال روبرو شود. ولی دلیل ندارد که دست از آن کشید. خدا است که شما را تغییر خواهد داد، اما مانند سایر موارد زندگی کوشش شما در این راه لازم است. پس اگر بار اول موفق نشدید، بار دیگر به کوشش خود ادامه دهید. خدا قدمی را که در راه او بر می‌دارید برکت خواهد داد.

اشکال، راه گناه آلودی است که از قدیم بخاطر نادانی در شما مانده و عادت شده. شما می‌توانید عادت گناه آلودی که از برآورد رضایت جنسی خود آغاز شده بود تغییر بدهید، و شروع کنید به نیاز و خواسته‌های همسر خود بپردازید. ولی این کار خود بخود اجرا نخواهد شد و نیازمند کوشش و پشت کار عمدی شما و یاری همسرتان را دارد. همانطور که عادت به هر کاری پس از اجرای چند بار آن ایجاد می‌شود، عادت جدید نیز لازم است چند بار بجای عادت قدیم اجرا گردد تا دائمی شود.

موضوع دیگری که مربوط به روابط جنسی میشود، بازی با خود یا جلق زدن است. چنین کاری تصویری مصنوعی را در ذهن ایجاد می کند و به ظاهر ارتباط جنسی را ایجاد می کند. چنین رفتار مطابق با خواست خدا نیست چون خدا زن را برای مرد آفرید تا مونس و یار یکدیگر باشند نه عالت چشم داشت و وسوسه. وقتی رضایت جنسی خود را این گونه بدست می آورید، گناه کرده اید چون خود را گول زده اید و خود را در مسیری مخالف طریق زندگی خدا قرار داده اید. رضای جنسی را خدا از طریق همسر فراهم ساخته نه از طریق تصویر و خیال. این رضایتی نیست که خدا برای انسان می خواهد، و در نتیجه ضرر خواهد رساند. انسان ممکن است تصور نوشیدن آنچه بسیار خوش مزه است را بکند، ولی مزه حقیقی آن با آنچه تنها تصور به آن شده تفاوت فاهشی دارد.

### امثال ۵

- ۱۵: آب را از منبع خودت بنوش، آب گوارا را از چاه خویشتن.  
۱۶: چرا باید چشمه های در کویها جاری شود و نه رهایت در معابر عمومی؟  
۱۷: بگذار تنها از آن تو باشند و بیگانگان را در آنها سهیم مساز.  
۱۸: سرچشمه ات مبارک باد، و از همسر روزگار جوانی خویش شادمان باش؛  
۱۹: همچون غزالی دلپذیر و آهوئی زیبا، پستانهایش تو را همیشه خرم سازد و عشق او سرمستت کند.

- ۲۰: چرا سرمست زن بیگانه باشی و با زن زناکار هم آغوشی کنی؟  
۲۱: زیرا راههای انسان در برابر چشمان خداوند است و همه طریقهای او را می سنجد.  
۲۲: بدکاریهای شریر به دامش می افکند، و در بند گناهان خویش گرفتار می آید.  
۲۳: از بی ادبی خواهد مرد، و از جهل بسیار گمراه خواهد شد.

منظور از "جهل بسیار" در آیه بالا اجرای آنچه خلاف خواست خدا است. خدا هیچ وقت بدی کسی را نخواست و نمی خواهد. بدی که بر انسان واقع می شود نتیجه طریق زندگی است که ربطی به خدا ندارد. دنیا خدا را از خود دور کرده و روی به جهنم آورده. انسان نیز چون در دنیا زندگی می کند، فکر می کند زندگی همین است و باید هم رنگ جماعت باشد.

### يعقوب ۴

- ۴: ای زناکاران، آیا نمی دانید دوستی با دنیا دشمنی با خداست؟ هر که در پی دوستی با دنیاست، خود را دشمن خدا می سازد.

مشکل ایمانداران در عدم توافق زندگیشان با کلام خدا تنها عدم انجام آن است و نه چیز دیگر. مشکل در عدم توانائی نیست. خدا هیچ فرمانی را به هیچ یک از فرزندان نداد که توانائی انجام آن نداشته باشند.

تمام مسائل و مشکلات انسان از عدم اجرای فرمان خدا سر چشمه می‌گیرند. در زندگی زناشویی مسیحی، خود جایش را باید به همسر بدهد تا خواست های خدا انجام شوند. در غیر این صورت غیر ممکن خواهد بود. البته تغییر عقاید و رفتاری که مطابق با خواست خدا است آسان نیستند و خود بخود انجام نمی‌گیرند و خدا خود به اندازه کافی از آن خبر دارد. به همین جهت کلیسا را بنا ساخت تا در راه تغییر و تبدیل برای فرزندان کمکی باشد و به تنهایی وارد صحنه نبرد نشوند. خدا از طریق کلیسا، کشیش، و مشایخ آزموده کمک لازم را فراهم می‌سازد. مسائل زناشویی معمولاً از طریق مشورت زن و شوهر با خادمینی که شناخت ترکیب مسائل زناشویی را دارند آغاز می‌شود و با اجرای تکالیف مربوط به مسائل حل می‌شوند. بدون اجرای کلام خدا به شکلی که مربوط به مسئله زن و شوهری می‌باشد، تغییر و تبدیل انجام نخواهد گرفت. و ضمناً، فرض داشتن بر آنکه زن و شوهران تنها با شنیدن کلام، توانائی ایجاد چنین تغییراتی را در زندگی خود خواهند داشت بی اساس است.

**مسائل زناشویی معمولاً از طریق مشورت زن و شوهر  
با خادمینی که شناخت ترکیب مسائل زناشویی را دارند  
آغاز می‌شود و با اجرای تکالیف مربوط به مسائل حل  
می‌شوند**

کلیسا باید اعضای خود را در انجام کار خدا آموزش لازم را بدهد. البته آموزش قبل از اجرای کار مفید است اما لازم نیست. فهم و درک مسائل روحانی و جوانب مختلفی که در زندگی دارد را می‌توان در حال خدمت، با سرپرستی یک یا دوفتر تعلیم داد. کلام خدا است که باید اجرا شود نه فکر و عقیده سر پرست یا مشاور، و اجرای کلام خدا نیز هیچ وقت بدون میوه نمی‌ماند. ممکن است مشکلاتی سر راه ایجاد شوند و اشتباه نیز صورت بگیرد، اما چون در راه خدا بوده اند، جز برکت چیز دیگری به جای نخواهند گذاشت. البته سرپرست آزموده لازم است، و خدا تا بحال اطلاعات زیادی را در دسترس کلیسا گذاشته تا سرپرستان فارسی زبان نیز در خدمت فرزندان قرار بگیرند. ایماندارانی را لازم می‌باشد که این اطلاعات را به زبان فارسی ترجمه کنند(۱۱).

انسان هیچ وقت نخواهد توانست تغییرات لازم را در زندگی خود ایجاد کند. منظور از تغییرات لازم کاری است که روح القدس انجام می‌دهد. ولی خادمین کلیسا می‌توانند آیات مربوط به موارد پیش آمده در زندگی ایمانداران را به شکل تکلیف خانگی داده، و ایمان داشته باشند که پس از اجرای تکالیف، ایمانداران خود متوجه حقیقت مربوط به خود خواهند شد و میوه روح القدس را دریافت خواهند کرد.

هیچ مسئله و مشکلی نیست که خدا نتواند از طریق کلامش حل کند. اما انجام کار با شنیدن و تصور به آن فرق زیادی دارد. وقتی ارتباط کلام را با موضوعی که خدا در زندگی آشکار کرده پیدا می‌کنیم، و نتیجه گام برداشتن در راه خدا را تجربه می‌کنیم، زندگی ما تغییر کرده و شاهدان پر ثمری برای خداوند عیسی خواهیم بود. ولی اگر تنها به گوش دادن از کلام اکتفا کنیم، خود را گول زده ایم.



## شخص مسیحی نباید با غیر مسیحی ازدواج کند

### دوم قرنتیان ۶

۱۴: زیر یوغ ناموافق با بی‌ایمانان مروید، زیرا پارسایی و شرارت را چه پیوندی است و نور و ظلمت را چه رفاقتی؟

۱۵: مسیح و بلیعال را چه توافقی است و مؤمن و بی‌ایمان را چه شباهتی؟

۱۶: و مابد خدا و بتها را چه سازگاری است؟ زیرا ما مابد خدای زنده‌ایم. چنانکه خدا می‌گوید: «بین آنها سکونت خواهم گزید و در میانشان راه خواهم رفت، و من خدای ایشان خواهم بود و آنان قوم من خواهند بود.»

بطوری که قبلاً گفته شد، خواست خدا در زندگی زناشویی مسیحی این است که طرفین "یک تن" شوند. این کار را تنها روح القدس انجام می‌دهد و از دست انسان خارج است. راه‌های انسانی کج و راست می‌شوند، ولی راه خدا را نمی‌توان کج کرد. خدا تنها در راه خودش ساکن است و هر که تصور دیگری را کند فریب خورده است.

مسیحیان تنها با مسیحیان می‌توانند "هم یوغ" شوند. در آن صورت است که خدا سر، و حاکم بر زندگی‌شان می‌گردد و روح القدس زمینه کار را در دست گرفته آن دو را یک تن می‌سازد. انسان است که باید مطابقت با کلام خدا را پیدا کند نه آنکه خدا قوانین خود را کج کرده در راه انسان منعطف نماید. اما بسیاری چنین تصور می‌کنند. فکر می‌کنند چون خدا محبت است، بخاطر وضع خاصی که دارند از بعضی قوانین خود صرف نظر می‌کند تا نیاز هایشان برآورده شود. می‌گویند "خدا مرا دوست دارد و مرا محکوم نمی‌کند". حال چه دانسته و یا ندانسته، محکوم می‌شوند و درس اطاعت از کلام را نمی‌آموزند. البته درست است که خدا محبت است، ولی به همین خاطر کلامش را داده تا ایمانداران نه تنها از برکات آن برخوردار شوند بلکه شهادت پر ارزشی را بدست آورند.

## مسیحیانی که قبلاً ازدواج کرده اند باید در آن بمانند

### اول پطرس ۳

۱: به همین‌سان، شما ای زنان، تسلیم شوهران خود باشید تا چنانچه از ایشان برخی به کلام ایمان نداشته باشند، بی‌آنکه سخنی بر زبان آورید، در اثر رفتار شما جذب شوند،

پطرس در فصل دوم رساله خود، زندگی مسیحی را اطاعت از خدا و پیش برد مقاصد او عنوان کرد، و در فصل سوم می‌گوید، "به همین‌سان، شما ای زنان، تسلیم شوهران خود باشید تا چنانچه از ایشان برخی به کلام ایمان نداشته باشند، بی‌آنکه سخنی بر زبان آورید، در اثر رفتار شما جذب شوند". در یوحنا ۳: ۱۶ نیز می‌خوانیم: "«زیرا خدا جهان را آنقدر محبت کرد که پسر یگانه خود را داد تا هر که به او ایمان آورد هلاک نگردد، بلکه حیات جاویدان یابد». عیسی مسیح جانش را برای همه گناه کاران داد، چون برای هر که او را قبول کند ارزش زیادی قائل شد.

## متی ۲۰

۲۵: عیسی ایشان را فراخواند و گفت: «شما می‌دانید که حاکمان دیگر قومها بر ایشان سروری می‌کنند و بزرگانشان بر ایشان فرمان می‌رانند.

۲۶: اما در میان شما چنین نباشد. هر که می‌خواهد در میان شما بزرگ باشد، باید خادم شما شود.

۲۷: و هر که می‌خواهد در میان شما اول باشد، باید غلام شما گردد.

۲۸: چنانکه پسر انسان نیز نیامد تا خدمتش کند، بلکه آمد تا خدمت کند و جانش را چون بهای رهایی به عوض بسیاری بدهد.»

منظور این است که خدا با پرداخت خون فرزندش عیسی مسیح، صاحب همه مسیحیان شد، و می‌خواهد زندگیشان را در راه خدمت به او بگذرانند. خوشبختی در زندگی زناشویی نیز تنها در این راه امکان‌پذیر است. در کلام خدا می‌خوانیم آنکه پس از ازدواج ایمان به عیسی مسیح می‌آورد ولی همسر او ایماندار نیست، باید زندگی زناشویی را آن گونه که گویی همسرش مسیحی است ادامه دهد. با اطاعت از این فرمان خدا (اول پطرس ۳: ۱)، زمینه کار برای روح القدس فراهم خواهد شد. نقشه خدا این است که همه نجات یابند و هیچ کس تلف نگردد و در نتیجه خدا از یکی از طرفین ازدواج استفاده می‌کند تا دیگری را نجات دهد. متأسفانه بسیاری فکر می‌کنند خواست و نیازهای خودشان (حال که فرزند خدا شده‌اند) اولویت دارد، و یا با ادامه زندگی با شخص بی‌ایمان نخواهند توانست خواست خدا را انجام دهند. اما این گونه افکار صحیح نیست. خدا ما را آفرید و بهتر از ما می‌داند برای چه منظور آفریده شده‌ایم، و چیست که برای ما خوب است و چی نیست. آنکه راه خدا را انتخاب کرده بهتر است راه را کج نکند چون عاقبت وخیم‌تری برای او ایجاد خواهد شد.

## دوم پطرس ۲

۲۱: بهتر آن می‌بود که از آغاز، راه پارسایی را نمی‌شناختند، تا اینکه پس از شناختن، از حکم مقدسی که بدیشان سپرده شد، روی برتابند.

ایماندارانی که خود را در زندگی زناشویی با همسر بی‌ایمان تنها می‌بینند، اشتباه می‌کنند. خدا همه چیز را می‌بیند و می‌شنود، و فرزندش را هیچ وقت تنها نمی‌گذارد.

## متی ۲۸

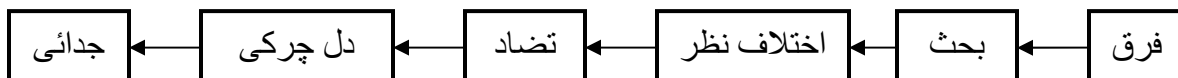
۱۹: پس بروید و همه قومها را شاگرد سازید و ایشان را به نام پدر، پسر و روح القدس تعمید دهید

۲۰: و به آنان تعلیم دهید که هر آنچه به شما فرمان داده‌ام، به‌جا آورند. اینک من هر روزه تا پایان این عصر با شما هستم!»

تنها با ایمان به حضور خدا در تمام لحظات زندگی زناشویی است، که ایماندار آن محبتی که از خدا است را به یار بی‌ایمان خود می‌تواند بکند. و تنها در چنین موقعیتی است که روح القدس کار کرده و "بی‌آنکه سخنی بر زبان آورید، در اثر رفتار شما" او را جذب کند.

توجه کنید که خدا می‌گوید، "بی‌آنکه سخنی بر زبان آورید". منظور جلوگیری از بحث و جدالی است که در چنین مواقعی پیش می‌آید. بعضی فکر می‌کنند حال که ایمان آوردند وظیفه شان این

است که یارشان را ایماندار کنند. خدا این را نگفته. باید به منظور کلام آشنا شد. شرایط آن گونه که انسان فکر می کند نیست. منظور این است که شرایط باید برای روح القدس ایجاد شود تا او کار خدا را انجام دهد. با بحث و گفت و گو در مورد عیسی مسیح در چنین شرایطی زمینه کار برای روح القدس خراب خواهد شد. باید از آنچه منجر به جدائی می شود اکیداً خودداری کرد:



خدا می خواهد یار زندگی ایماندار نیز ایمان آورد، ولی روح القدس از طریق "رفتار" مسیحی است که زمینه کار را بدست می گیرد و نه از طریق تلاش های انسانی. رویدادی روحانی است که درون دل یار بی ایمان ایجاد می گردد و تنها روح القدس این رویداد را می تواند ایجاد کند. اما ایماندار باید مطابق با کلام رفتار نماید تا روح القدس زمینه کار را بدست آورد. این رفتار باید آن گونه باشد که محبت خدا را نشان دهد (آنچه خدا در کلامش گفته) و نه محبت انسانی. بعنوان مثال، شوهر مسیحی در چنین شرایطی نباید زن بی ایمانش را وادار به مطالعه کلام کند (اگر هر دو ایمان دار بودند وظیفه شوهر همین بود). زن مسیحی نیز نباید شوهر بی ایمانش را در معرض تبلیقات مسیحی قرار دهد (تلویزیون، جراید، و غیره). کوشش های زیرکانه انسانی مانع عملکرد روح القدس می شوند. البته اگر همسر بی ایمان از یار ایماندارش بخواهد راجع به عیسی مسیح و کلام خدا بشنود مانعی ندارد، ولی منظور جلوگیری از زور و فشار ایماندار به بی ایمان است. در ملکوت خدا هر شخصی مسئول رفتار و انجام وظایفی است که به او محول شده. اگر کارش را خوب انجام بدهد و همه چیز دیگر را به خدا بسپارد، خواست خدا در خصوص خودش انجام می گیرد. حال ممکن است یار زندگی او نهایتاً ایمان نیاورد، و یا سال ها به طول کشد. آن موضوع به او مربوط نیست بلکه مربوط به یار زندگی و خدا است. خوش بختی ایمانداران در زندگی زناشویی تنها با توکل به خدا (انجام خواست او) تضمین شده است. خدا آینده ایمانداران را از طریق روح القدسی که در ایشان ساکن است بوجود می آورد.

پطرس در دنباله فصل سوم می گوید:

### اول پطرس ۳

۲: زیرا زندگی پاک و خداترسانه شما را مشاهده خواهند کرد.

زندگی "پاک و خدا ترسانه" یعنی رفتاری که گویا یار زندگی ایماندار است، و نه بی ایمان. شوهر ایماندار زن بی ایمانش را آن گونه محبت می کند که عیسی مسیح کلیسایش را محبت کرد، با تفاوت به آنکه کلیسای خانگی او هنوز وجود ندارد چون زنش ایماندار نیست. منظور از زندگی "خدا ترسانه" آن است که مطابق با آنچه خدا در همه کلامش گفته زندگی کند. آنوقت روح القدس خواهد توانست کارش را انجام دهد.

### اول پطرس ۳

- ۳: زیبایی شما نه در آرایش ظاهری، همچون گیسوان بافته و جواهرات و جامه‌های فاخر، بلکه در آن انسان باطنی باشد که آراسته به زیبایی ناپژمردنی روحی ملایم و آرام است، که در نظر خدا بس گرانبه‌است.
- ۵: زیرا زنان مقدس اعصار گذشته که بر خدا امید داشتند، خود را بدین‌گونه می‌آراستند. آنان تسلیم شوهران خود بودند،
- ۶: چنانکه سارا مطیع ابراهیم بود و او را سرور خود می‌خواند. شما نیز اگر نیک‌کردار باشید و هیچ ترس به دل راه ندهید، فرزندان او خواهید بود.

خدا در آیات ۳ و ۴ بالا زیبایی ظاهری زن را با زیبایی باطنی او مقایسه کرده تا اهمیت رفتار او را در چنین شرایطی آشکار کند. معمولاً شوهرانی که بی ایمان هستند با ایمان آوردن زنشان موافق نخواهند بود و در این شرایط امکان برخورد های گوناگون وجود دارد. خصوصاً وقتی زن ایماندار بخواد شوهرش را ایماندار نیز بکند. در این صورت معمولاً شوهر عمداً مقاومت خواهد کرد و حتی ممکن است در فکر جدایی و طلاق بشود. به نظرش توطئه بر علیه او شده و از خود دفاع خواهد کرد. البته مخالفت و خشونت شوهر ممکن است دلیلی جز ایماندار بودن زن و یا به کلیسا رفتن او نباشد. در این خصوص خدا در آیه ۶ می‌فرماید زن باید رفتار مسیحی خود را حفظ کند و نترسد. چون جنگ روحانی است که ایجاد شده و احتیاج به آرامش و کوتاهی زن دارد.

### اول پطرس ۳

- ۷: به همین‌سان، شما نیز ای شوهران، در زندگی با همسرانتان باملاحظه باشید و با آنان چون جنس ظریفتر با احترام رفتار کنید، چرا که همپای شما وارث هدیه سخاوتمندانه حیاتند، مبادا دعاهایتان مستجاب نشود.

بدترین نتیجه آن است که شوهر بی ایمان بخواد جدا شده و طلاق بگیرد (در مورد طلاق در جای دیگر صحبت خواهم کرد).

در رابطه با شوهران ایماندار نیز خدا می‌فرماید "باملاحظه" و "با احترام" باشید. با زور آن‌ها را به کلیسا نبرید، او را وادار به خواندن کتاب مقدس نکنید، و مدام صحبت از خدا و عیسی مسیح نکنید. خدا هشدار می‌دهد که در این خصوص اضافه کرده، "مبادا دعاهایتان مستجاب نشود". وقتی مخالف خواست خدا رفتار کنید، خدا به حرف و نیاز های شما گوش نخواهد داد. پرخاش، فهاشی، ضرب زدن، ایراد گرفتن، به هر دلیلی که باشد، از خدا نیست و شوهر را محکوم خواهد نمود. شوهران در این مورد غالباً نیاز به کمک کشیش و مشاوران کلیسا خواهند داشت تا رفتارشان تغییر کند. این‌گونه عادات را با یک یا دوبار رفتار کردن نمی‌توان تغییر داد. برنامه‌خواصی را که مربوط به رسیدگی به خشم می‌باشد را باید بکار برد. در این رابطه تکالیفی فراهم شده که می‌توان شامل برنامه رسیدگی به چنین مسائل و مشکلات نمود. تغییر و تبدیل ایمانداران به شکل عیسی مسیح از جمله خواست های عمده خدا است. این موقعیت ها را نباید از دست داد.

## زیر نویس ها

- (۱) به کتاب "حل مسائل زناشوئی از طریق کلام خدا" رجوع کنید.  
(این کتاب به زبان فارسی ترجمه شده است)
- (۲) یعقوب ۱: ۲ تا ۴
- (۳) به جزوه "راهنمای زندگی بر طبق اولویت ها" در ([www.moshaver.info](http://www.moshaver.info)) رجوع کنید.
- (۴) متی ۷: ۱۴
- (۵) به جزوه "طرقی که شوهر مسیحی به زن خود محبت می کند" در ([www.moshaver.info](http://www.moshaver.info)) رجوع کنید.
- (۶) برای بحث کامل تری در مورد محبت به فصل پانزدهم کتاب "راهنمای مشاوران مسیحی" در ([www.moshaver.info](http://www.moshaver.info)) رجوع نمایید.
- (۷) من خود شاهد این نمونه از زندگی بهشتی هستم ، و امید من این است که همه چنین برکتی را دریافت کنند.
- (۸) برای نمونه از نقش و روحیه زنی که زندگی زناشوئی خدا گانه دارد، به امثال ۳۱ در ([www.moshaver.info](http://www.moshaver.info)) رجوع کنید.
- (۹) به تکلیف "طرقی که شوهر مسیحی به زن خود محبت می کند" ([www.moshaver.info](http://www.moshaver.info)) رجوع نمائید.
- (۱۰) اما امروزه بسیاری از ایرانیان دسترسی به کلیسا ندارند. این مشکل را اینترنت حل کرده است. کلام خدا می فرماید:

### متی ۱۸

۲۰: زیرا جایی که دو یا سه نفر به نام من جمع شوند، من آنجا در میان ایشان حاضرم.»

تنها دو نفر لازم است در نام مسیح دور هم گرد آیند تا کلیسای خود را بنا سازند. هر ایرانی که بخواهد عضو کلیسا بشود می تواند از طریق اینترنت و ای میل با کلیسایی در آمریکا، اروپا، و یا هر جای دیگر تماس بگیرد و جویای شرایط عضویت آن بشود. البته توجه داشته باشید که همه کلیسا های دنیا، مسیح را آن گونه که خود معرفی کرد، معرفی نمی کنند. نظر من راجع به این موضوع این است که خدا حکمتی در این نیز دارد ولی خارج از بحث این جا است. عمده این است که دسترسی به کلیسا موجود است و لازم نیز هست (البته کسانی که اینترنت دارند). من خود در حال حاضر عضو دو کلیسایی می باشم که اعضای دیگر آن خارج از کشورند.

(۱۱) [www.nouthetic.org](http://www.nouthetic.org)